

۴ کافه

راه توسعه از کتاب می‌گذرد  
آغاز به کار نمایشگاه کتاب



۶ توسعه

روپای مترو  
محسن هاشمی‌رفسنجانی



۸ حافظه

ربع قرن در قدرت  
درباره ۲۵ سال ریاست‌جمهوری پوتین



## جنگ اتمی‌ها

پس از یک دوره تنش دیپلماتیک  
میان هند و پاکستان، در نهایت  
جنگ این دو کشور هسته‌ای آغاز شد

۳ افق



یادداشت روز

### ترامپ در خاورمیانه

رئیس‌جمهور آمریکا در سفر به سه کشور منطقه  
چه اهدافی را دنبال می‌کند؟



علی بیگدلی

استاد دانشگاه  
و کارشناس مسائل آمریکا

سفر پیش‌روی دونالد ترامپ به خاورمیانه اتفاقی از پیش برنامه‌ریزی شده است، نه واکنشی ناگهانی به تحولات اخیر منطقه. پیش‌تر نیز بارها اعلام کرده بود که نخستین سفر رسمی‌اش به خاورمیانه خواهد بود و ابتدا تنها قرار بود به عربستان سعودی برود اما اکنون برنامه سفر او به منطقه توسعه یافته و شامل چند کشور دیگر از جمله امارات و قطر نیز شده است. نخستین انگیزه این سفر را باید در دلایل اقتصادی جست‌وجو کرد. ایالات‌متحده با رکود اقتصادی نسبی روبه‌رو است و محبوبیت ترامپ به شدت کاهش یافته است. در چنین شرایطی، او به دنبال یافتن راهی برای جلب رضایت افکار عمومی داخلی است؛ به‌خصوص با تمرکز بر اشتغال‌زایی، سرمایه‌گذاری خارجی و فروش تسلیحات. ترامپ در نظر دارد در این سفر قراردادهای اقتصادی کلانی را با کشورهای عربی منعقد کند. این قراردادها ممکن است شامل خرید تسلیحات، پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک و توافقات تجاری در سطح منطقه‌ای باشد. همان‌طور که در دوره ریاست‌جمهوری پیشین او در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ شاهد بودیم، یکی از نتایج سفر به عربستان، توافقات تسلیحاتی بزرگی بود که بخشی از آن اجرایی شد و بخشی دیگر بالاتکلیف ماند. در کنار این هدف، ترامپ می‌خواهد کشورهای نفت‌خیز منطقه را ترغیب کند تا سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌تری در داخل ایالات‌متحده انجام دهند؛ رویکردی دوسویه که هم به افزایش اشتغال در آمریکا کمک کرده و هم منافع شرکت‌های بزرگ آمریکایی را تامین می‌کند. اگرچه بعد اقتصاد پرنرنگ‌تر است اما نمی‌توان از اهداف سیاسی و امنیتی این سفر غافل شد؛ به‌گونه‌ای که یکی از دغدغه‌های اصلی ایالات‌متحده و برخی کشورهای عربی، نفوذ ایران در منطقه است. موضوع فلسطین و اسرائیل هم یکی دیگر از این اهداف است. برخلاف دهه‌های پیشین به نظر می‌رسد که مساله فلسطین دیگر اولویت اصلی بسیاری از دولت‌های عربی نیست؛ با این حال تحت فشار افکار عمومی و ملاحظات سیاسی، این موضوع هنوز در مناسبات منطقه‌ای مطرح است. این درحالی است که پیشنهادهایی از سوی اسرائیل برای گسترش توافق‌نامه ابراهیم به کشورهای جدید مطرح شده اما با واکنش سردی روبه‌روست؛ چراکه محبوبیت اسرائیل در میان افکار عمومی جهان عرب به شدت کاهش یافته است. این درحالی است که به نظر می‌رسد، برخی از کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس، آمریکا را تحت فشار قرار داده‌اند تا از هرگونه حمله نظامی به ایران پرهیز کند. آنها نگران‌اند که چنین اقدامی، وضعیت فعلی منطقه را به‌شدت بی‌ثبات کرده و طرح‌های اقتصادی و امنیتی موجود را نابود کند. در شرایطی که غرب (اعم از اروپا و آمریکا) با چالش‌های اقتصادی قابل توجهی روبه‌رو است، احتمال بروز جنگ در منطقه بسیار پایین ارزیابی می‌شود. بر این اساس، احتمال دارد در این سفر، آمریکا ترغیب شود تا رویکردی مبتنی بر مذاکره و تعامل بیشتر با ایران اتخاذ کند. به صورت کلی اگر بخواهیم به ابعاد مختلف این سفر نگاه کنیم، می‌توان گفت حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد تمرکز این سفر اقتصادی است. هدف اصلی، امضای توافق‌های تجاری، فروش تجهیزات نظامی و جلب سرمایه‌گذاری از سوی کشورهای ثروتمند عربی همچون عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی است و بخش ۲۰ تا ۳۰ درصدی سفر به اهداف سیاسی و امنیتی مرتبط است که تلاش برای مهار نفوذ ایران، بررسی تحولات عراق و سوریه و ارزیابی شرایط در نوار غزه و کرانه‌باختری را می‌تواند در بر بگیرد. در نهایت بخش دیگری از این سفر می‌تواند به مسائل دیپلماتیک و بازسازی روابط با کشورهای منطقه و مشارکت در جلسه احتمالی اعضای شورای همکاری خلیج‌فارس اختصاص یابد.

ادامه در صفحه ۳



# طراحی خطرناک

خبرگزاری آسوشیتدپرس اعلام کرد: ترامپ قصد دارد در سفر به خاورمیانه نام خلیج‌فارس را به خلیج عربی تغییر دهد!

این موضوع با واکنش گسترده ایرانیان، شخصیت‌ها و مقامات ایرانی روبه‌رو شد

سازندگی به این غرض‌ورزی سیاسی پرداخته و چرایی آن را بررسی کرده است



محمود سعیدزاده

عضو شورای مرکزی  
حزب کارگزاران سازندگی ایران

میلادی تمام کشورهای عربی از عبارت خلیج‌فارس استفاده می‌کردند. اولین بار و به دنبال ملی شدن صنعت نفت و شکست خفت‌بار انگلیسی‌ها در مجامع بین‌المللی در ناتوانی شکستن اراده ملت برای حاکمیت بر صنعت نفت خود در سال ۱۳۳۹ رودریک اون، نماینده سیاسی انگلیس در بحرین به جای خلیج‌فارس، عبارت ساحل عربی و بعدها خلیج عربی را به کار برد و این اقدام شیطنت‌آمیز سنگ‌بنای

به هم زدن قاعده کلی تغییر هویت جغرافیای منطقه شد. این درحالی بود که مطابق معاهده مجمل بین ایران و انگلیس در سال ۱۸۰۹ بریتانیا ضمن پذیرش حاکمیت ملی ایران بر کل خلیج‌فارس از ایران خواسته بود، مانع نزدیک شدن کشورهای رقیب انگلیس به هندوستان شود. بعدها ملی‌گرایان تحقیر شده به دست اسرائیل به رهبری جمال عبدالناصر این بار برای فرار از بار روانی ایجاد یک دولت یهودی در

دل سرزمین‌های عربی به خطای دوم دست زدند و برای ایجاد غرور از دست رفته و حیثیت بر باد رفته جهان عرب در اقدامی غیرمعمول و به دور از اصل حسن همجواری نام خلیج‌فارس را مورد چالش قرار دادند و در یک توافق داخلی اجماع کردند نام خلیج‌فارس را به خلیج عربی تغییر بدهند که البته این اقدام مورد تایید و استقبال مراکز دانشگاهی و نهادهای بین‌المللی قرار نگرفت.

ادامه در صفحه ۲

بعد از ۷۰ سال تجربه شکست‌خورده انگلیس در نامگذاری خلیج‌فارس به ساحل عربی، اکنون بعضی از ریزدولت‌های حاشیه خلیج‌فارس پا در میدان بازی‌ای گذاشته‌اند که پایان آن به هیچ وجه در راستای منافع جمعی منطقه نخواهد بود. درحالی که تا دهه ۶۰ قرن بیستم

#### رهنمود

پیام رهبر انقلاب اسلامی به همایش یکصدمین سال گشت بازتاسیس حوزه علمیه قم

### الزامات حوزه «پیشرو و سرآمد»



آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به همایش «یکصدمین سال‌گشت بازتاسیس حوزه علمیه قم» ضمن تبیین عناصر و کارکردهای گوناگون حوزه به بیان الزامات تحقق یک «حوزه پیشرو و سرآمد» که نوآور، بالنده، به‌روز، پاسخگوی مسائل نوپدید، مهذب، دارای روحیه پیشرفت و مجاهدت و هویت انقلابی همچنین مستعد برای طراحی نظامات اداره جامعه است، پرداختند و تاکید کردند: مهم‌ترین وظیفه حوزه «بلاغ مبین» است که از برترین مصادیق آن ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن‌نوین اسلامی و تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است.

آیت‌الله خامنه‌ای با تاکید بر اینکه حوزه علمیه فقط یک موسسه تدریس و درس‌خوانی نیست بلکه مجموعه‌ای از علم و تربیت و کارکردهای اجتماعی و سیاسی است به تبیین سرفصل‌هایی پرداختند که می‌تواند، حوزه را به معنی واقعی «پیشرو و سرآمد» کند.

ایشان در تبیین اولین سرفصل، حوزه قم را مرکزی با سرمایه سترگ علمی شیعه دانستند که محصول اندیشه‌ورزی و پژوهشگری هزاران عالم دینی در دانش‌هایی همچون فقه و کلام و فلسفه و تفسیر و حدیث در طول هزار سال است. رهبر انقلاب با اشاره به پدیده‌های پیچیده و پرتعداد در زندگی انسان‌ها و سوال‌های بی‌سابقه‌ای که فقه معاصر باید آماده پاسخ به آنها باشد، خاطرنشان کردند: امروز با تشکیل نظام سیاسی اسلام، سوال اصلی، چگونگی نگاه کلان‌شارخ به ابعاد فردی و اجتماعی زندگی بشر و پایه‌های اصولی آن است و فتوای فقیه در هر مساله باید نشان‌دهنده بخشی از این نگاه کلان باشد. آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: مسائلی همچون روابط دولت با مردم و با دولت‌ها و ملت‌های دیگر، موضوع نفی سبیل، نظام اقتصادی و پایه‌های اصولی نظام اسلامی، منشأ حاکمیت از نظر اسلام، نقش مردم در آن و موضع‌گیری در قضایای مهم و در مقابل نظام سلطه، مفهوم و محتوای عدالت و ده‌ها موضوع اساسی و بعضاً حیاتی دیگر ازجمله مسائلی هستند که باید برای آنها پاسخ فقهی وجود داشته باشد. ایشان در تبیین دومین سرفصل از حوزه «پیشرو و سرآمد» با تاکید بر اینکه حوزه نهادهی برون‌گراست که خروجی آن در همه سطوح، در خدمت فکر و فرهنگ جامعه و انسان‌هاست، مهم‌ترین وظیفه حوزه را «بلاغ مبین» دانستند و خاطرنشان کردند: لازمه انجام این وظیفه تربیت نیروی مهذب و کارآمد است.

رهبر انقلاب شناخت و حفظ و تقویت «هویت جهادی» حوزه را سومین سرفصل «حوزه سرآمد و پیشرو» برشمردند و با اشاره به پیام پر‌محتوا و تکان‌دهنده امام خمینی (ره) به روحانیت در اواخر سال ۱۳۴۷ افزودند: امام راحل در آن پیام، علما را پیشگام در میدان جهاد و حمایت از میهن و حمایت از مظلومان معرفی و در عین حال نگرانی خود را از اینکه جریان تحجر و تقدس‌نمایی، حوزه علمیه را دچار وسوسه جدایی دین از سیاست و فعالیت‌های اجتماعی کند و راه درست پیشرفت را مسدود سازد، اعلام کردند.

رهبر انقلاب مشارکت در تولید و تبیین نظامات اداره جامعه را چهارمین سرفصل از «حوزه پیشرو و سرآمد» برشمردند و خاطرنشان کردند: این خلأ را حوزه باید پر کند و این در شمار وظایف حتمی حوزه علمیه است و امروز نمی‌توان قناعت را همچون ناآگاهان، غرق شدن در احکام فردی و عبادی دانست زیرا «فقه امت‌ساز» محدود به احکام عبادی و وظایف فردی نیست.

ایشان، پنجمین سرفصل «حوزه پیشرو و سرآمد» را نوآوری‌های تمدنی در چارچوب پیام جهانی اسلام دانستند و تاکید کردند: برجسته‌ترین انتظار از حوزه علمیه زمینه‌سازی برای «استقرار تمدن اسلامی» است، تمدنی که در آن، علم و فناوری و منابع انسانی و منابع طبیعی و همه توانایی‌ها و همه پیشرفت‌های بشری و حکومت و سیاست و نیروی نظامی و هر آنچه در اختیار بشر است در خدمت عدالت اجتماعی و رفاه عمومی و کاستن از فواصل طبقاتی و افزودن بر پرورش معنوی و ارتقاء علمی و شناخت روزافزون طبیعت و استحکام ایمان به کار می‌رود.

## میهن

### بررسی رویدادهای سیاسی

# خلیج همیشه فارس

### برداشتی اشتباه، شایعه‌ای جنجالی؛ اما حقیقت چیز دیگری است

##### واکنش‌هایی فراتر از گرایش‌ها و جناح‌های سیاسی

در پی انتشار شایعه‌ای از سوی خبرنگاری آسوشیتدپرس مبنی بر اینکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، قصد دارد در سفر آینده‌اش به منطقه، نام تاریخی «خلیج فارس» را تغییر دهد و از عنوانی جعلی برای آن استفاده کند، موجی از واکنش‌های تند و گسترده از سوی شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران به راه افتاد. واکنش‌هایی که فراتر از گرایش‌ها و جناح‌های سیاسی، جلوه‌ای از وحدت ملی ایرانیان در پاسداشت هویت تاریخی و جغرافیایی کشورشان بود.

نخستین واکنش مهم به این شایعه، از سوی عباس عراقچی، وزیر امورخارجه بود که در بیانیه‌ای روشن و مستند نوشت: «نام خلیج



فارس، مانند بسیاری از نام‌های جغرافیایی، ریشه در تاریخ بشر دارد.» او با اشاره به احترام متقابل کشورها به نام‌های جغرافیایی همچون دریای عمان، دریای عرب یا دریای سرخ، گفت: «استفاده از این نام‌ها به معنای مالکیت نیست، بلکه نشان‌دهنده میراث مشترک بشریت است. در مقابل، تغییر نام خلیج فارس تنها نشان از اغراض سیاسی و نیت خصمانه دارد.»

همچنین حسن روحانی، رئیس‌جمهور دولت‌های یازدهم و دوازدهم هم با لحنی قاطع خطاب به سیاستمداران آمریکایی هشدار داد: «آمریکایی‌ها باید بدانند این خلیج، خلیج فارس است؛ نه خلیج نیویورک و نه خلیج واشنگتن.» روحانی که همواره در موضع‌گیری‌های خود سعی در رعایت چارچوب‌های دیپلماتیک دارد، این بار صراحت را چاشنی کلامش کرد و به طعنه افزود: «بهتر است آقای ترامپ کمی جغرافیا مطالعه کند.» در ادامه، محمدجواد ظریف، با ادبیاتی آمیخته به غرور ملی و هشدار، به شایعات منتشر شده واکنش نشان داد. ظریف با انتشار متنی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ایرانیان، همراه و هم‌زبان، این سوداگری کوتاه‌بینانه را برنمی‌تابند.»

علی‌اکبر ولایتی هم در یادداشتی در روزنامه اطلاعات درمورد خلیج فارس نوشت: از متون تاریخی و جغرافیایی عهد باستان تا دوران اسلامی و بلکه قرن معاصر گرفته تا متون تفسیری متعدد، همه و همه از دریای جنوبی ایران به نام «خلیج فارس» یا «دریای فارس» یا «بحر

عجم» و نام‌هایی از این قبیل یاد کرده اند.

همچنین محمداقصر قالیباف، رئیس مجلس دوازدهم، نیز با زبانی کنایه‌آمیز نوشت: «از کتابخانه مجلس خواستم نقشه‌های تاریخی خلیج فارس را منتشر کنند. گفتند این قدر زیاد است که به هر سیاستمدار متوهم چند نسخه می‌رسد.» او با اشاره به خریدنی نبودن تاریخ و جغرافیا، به کنایه گفت: «عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری…» در همین راستا، سید حسن خمینی نیز در دیدار با امدادگران جمعیت هلال احمر با لحنی آرام اما قاطع بیان داشت: «خیلی‌ها شاید بخواهند نام خلیج فارس را تغییر دهند، اما خلیج فارس همیشه خلیج فارس بوده و آنان که بخواهند نام آن را تغییر دهند، خود را مضحکه کرده‌اند.»

سید ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، نیز نوشت: «نام ماندگار خلیج فارس تا ابد در دل‌ها و جان‌ها زنده خواهد ماند. روسیاهی این زمستان نیز بر چهره مستبدان عالم باقی خواهد ماند.»

احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر سیاسی، در ارزیابی‌اش از این شایعه، به شخصیت ترامپ اشاره کرد و نوشت: «از فردی دمدمی مزاج و بیگانه با تاریخ همچون ترامپ، هیچ کاری بعید نیست. اما هوس ترامپ نمی‌تواند نام‌های تاریخی را تغییر دهد. این‌ها اموری هویتی‌اند، نه تابعی از تمایلات فردی.»

سید محمدعلی ابطیحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، نیز با نگاهی راهبردی‌تر به پیامدهای چنین اقدامی پرداخت و گفت: «ترامپ اگر نام دیگری جز خلیج فارس

را بر زبان آورد، به قوی‌ترین عامل وحدت مردم ایران تبدیل خواهد شد؛ مخالفان و موافقان مذاکره، داخل و خارج، همه در برابر این توهین متحد خواهند شد. این یکی از مین‌هایی است که می‌تواند مذاکرات را به چالش بکشد.» فدا حسین مالکی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، نیز تأکید کرد: «دنیا خلیج فارس را پذیرفته و این ادعاهای بی‌اساس خدشه‌ای به آن وارد نمی‌کند.»

همچنین اسماعیل کوثری، دیگر عضو این کمیسیون، خاطرنشان کرد: «نام خلیج فارس صدها سال است که در تاریخ نهاده شده است. این ادعاها تنها تلاش برای خودنمایی سیاسی آمریکاست.»

در نهایت، چه این اقدام واقعیت داشته باشد و چه صرفاً بازی رسانه‌ای باشد، یک چیز روشن است: نام «خلیج فارس» فقط یک اسم جغرافیایی نیست؛ نمادی است از هویت، تاریخ و غرور یک ملت. هر تلاشی برای حذف یا تحریف آن، صرف‌نظر از انگیزه‌ها، واکنش‌هایی عمیق و گسترده را برمی‌انگیزد. در جهانی که سیاست، تاریخ و رسانه‌ها درهم‌تنیده‌اند، حتی یک نام می‌تواند طوفانی از واکنش و روایت را با خود به همراه آورد.

آیا دشمنان ایران حتی با برداشت نادرست از سخنان ترامپ واقعاً به دنبال پاک‌کردن نامی کهن است؟ یا تنها در پی جلب نظر هم‌پیمانان عرب خود در مسیر بازی‌های بزرگ‌تری است؟ پاسخ هرچه باشد، یک چیز مسلم است: خلیج فارس، همچنان در قلب ایرانیان می‌تپد.

انگلیسی در سقوط دولت مصدق است و فشار انگلیسی‌ها برای جدایی افغانستان از ایران بود، اگرچه هم دولت شاهنشاهی سابق و هم دولت جمهوری اسلامی با دولت انگلیس، رابطه‌اش را حفظ کرد اما حافظه تاریخی ایرانیان از این دخالت نادرست پاک نشده و هنوز ذائقه ایرانیان بابت این دخالت‌ها و خیانت‌ها تلخ است و یکی از عواقب آن زمینه‌سازی برای حمله به سفارت آمریکا بعد از انقلاب ۵۷ بود.

آنچه در این برهه تاریخی طراحی شده تا دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در صفحه‌ای به نام تغییر جغرافیای خلیج‌فارس که مرتبط با هویت جمعی و تاریخی ایرانیان است ایفای نقش کند، طراحی خطرناکی است که از تقابل با جمهوری اسلامی و حتی در تقابل با حاکمیت ملی ایران هم گذشته است. آمریکای ترامپ درحال ورود به تقابل تاریخی دیگری است که می‌خواهد هویت جمعی و ماهیت وجودی یک ملت را انکار کند. این بازی از هر کجا طراحی شده باشد، بازتولید همان بازی غزه و اسرائیل است همان‌قدر که در غزه، اسرائیل فقط با حماس ننجکید و به بهانه حماس به فلسطینی‌ها حمله کرد و به بهانه فلسطینی‌ها به لبنان حمله کرد و به بهانه لبنان به ایران حمله کرد و به

بهانه ایران به یمن حمله کرد در این بازی هم حد یقف وجود ندارد زیرا هویت یک ملت مورد تهدید قرار می‌گیرد و وقتی هویت یک ملت مورد تهدید قرار بگیرد، فرقی نمی‌کند کدام دولت در رأس امور باشد. هر دولتی باشد، قدرت برگشتن به مذاکره و صلح او به اندازه قدرت ابومازن در فلسطین خواهد بود. لذا اگر ترامپ و تیم او دنبال مذاکره و صلح در خاورمیانه هستند، ملت‌ها را نباید وارد منازعه کنند. بدهستان سیاسی در بین دولت‌ها حتی جنگ بین دولت‌ها هم مرسوم است و هم معمول زیرا رنالیست‌ها، جنگ را هم ادامه دیپلماسی می‌دانند اما جنگ با هویت‌ها و ملت‌ها برای هیچ‌کس نتیجه‌ای جز تهدید صلح و ترویج تروریسم و تکثیر خشونت نخواهد داشت. جهان یک بار تاوان تحقیر یک ملت در فلسطین را با تروریسم با طالبان با داعش با موج ناسیونالیستی عربی داده است. ورود به بازی هویتی، ورود به چرخه ناگسستنی خشونت و نفرتی است که معلوم نیست چند صد سال ماندگار باشد و از کدام تاک نشانی بماند. لذا رسالت دولت‌هایی چون عربستان و عمان که توسعه را انتخاب کرده‌اند و دنبال جهان و خاورمیانه امن هستند بیش از گذشته سنگین‌تر است و نباید چند ریز قدرت اجازه داشته باشند، خاورمیانه را به آتش بکشانند.

### ادامه تیتیر یک

# طراحی خطرناک

اکنون به نظر می‌رسد این بار اتحاد شوم عربی – عربی به دنبال ناکامی در به جنگ کشاندن پای ایران به یک جنگ بی‌هدف دوباره بر سر تغییر نام جغرافیای تاریخی ایران به دنبال این هستند، خرس آمریکا را به قنصادی خاورمیانه بنداژند و این بار این بدنامی را به نام آمریکا و رئیس‌جمهور آن ترامپ سکه بزنند. اگرچه همه دولت‌ها حتی دولت‌های کاملاً دموکراتیک ادعا می‌کنند که به نمایندگی مردم وارد جنگ و صلح می‌شوند اما واقعیت این است، دولت‌ها یا به دلایل ایدئولوژیک یا به منظور جاه‌طلبی‌های سیاسی و اقتصادی و حتی به منظور ایجاد پایداری خود در مقابل رقبای سیاسی داخلی، دست به بازی‌های خطرناک از قبیل جنگ هم می‌زنند و در چنین شرایطی خواست دولت‌ها و ملت‌ها بر هم منطبق نمی‌شود برای همین هم هست، جنگ دولت‌ها هم با اراده دولت‌ها به صلح تبدیل می‌شود اما آنچه به جنگ ملت‌ها تبدیل بشود الزاماً با صلح دولت‌ها به حالت اول برنمی‌گردد و نمونه‌های تاریخی آن فراوان است که یکی از آنها دشمنی دولت آلمان با مردم یهود بود که در نهایت به رسوایی هلوکاست تبدیل شد و به رغم آن همه جبران مالی از طرف دولت‌های آلمان این شرمندگی تا همیشه با چهره آلمان خواهد ماند. نمونه دیگر آن کودتای آمریکای

# آتش‌بس در صنعا

## درگیری میان یمن و آمریکا را ترامپ متوقف کرد یا عمان؟

**گروه بین‌الملل:** دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در دیدار با مارک کارنی، نخست‌وزیر کانادا ادعا کرد که «حوثی‌ها اعلام کردند که دیگر با آمریکا نخواهند جنگید و ما هم حملات خود به یمن را متوقف خواهیم کرد». ادعای ترامپ درحالی است که پس از حملات اسرائیل به یمن، نیروهای مسلح این کشور وعده داده‌اند که این اقدامات با پاسخخی شدیدتر رویه‌رو خواهد شد. با این وجود، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که «بمباران یمن را متوقف خواهیم کرد. به سخنان حوثی‌ها احترام می‌گذاریم. آنها گفتند که دیگر کشتی‌ها را منفجر نخواهند کرد. از همین لحظه حملات آمریکا علیه یمن متوقف خواهد شد». همچنین مارکو روبریو، وزیر امور خارجه و مشاور امنیت ملی موقت آمریکا نیز اظهار کرد که «هدف از حملات ما به یمن، آزادسازی خطوط کشتیرانی بود. با توجه به اظهارات حوثی‌ها، دیگر به ادامه دادن عملیات خود علیه آنها نیازی نداریم».

در این راستا بدر البوسعیدی، وزیر خارجه عمان در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «در پی گفت‌وگوها و تماس‌های اخیر سلطنت عمان با ایالات‌متحده و مقامات مربوطه در یمن با هدف کاهش تنش، تلاش‌ها به توافق آتش‌بس بین ۲ طرف

منجر شد». وزیر خارجه عمان افزود: «در آینده هیچ یک از طرفین یکدیگر را هدف قرار نخواهد داد، ازجمله کشتی‌های آمریکایی در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب مورد حمله قرار نخواهند گرفت تا آزادی کشتیرانی و جریان روان کشتی‌های تجاری بین‌المللی تضمین شود». او همچنین گفت: «سلطان عمان از هر ۲ طرف به خاطر رویکرد سازنده آنها که منجر به این نتیجه خوشایند شد، قدردانی می‌کند و امیدوار است که منجر به پیشرفت بیشتر در بسیاری از مسائل منطقه‌ای در جهت دستیابی به عدالت، صلح و رفاه برای همه شود».

**اسرائیل شوکه شد!**

نکته بسیار مهمی که در این راستا باید مورد نظر قرار بگیرد این است که براساس مستندات و اخبار منتشر شده از سوی رسانه‌های اسرائیل، ترامپ قبل از اعلام این خبر، بنیامین نتانیاهو و اسرائیل را در جریان گذاشته بود و همین مساله موجب شوکه شدن مقامات سیاسی-امنیتی اسرائیل شده است. شبکه ۱۴ اسرائیل گزارش کرد سطح سیاسی اسرائیل از این خبر ترامپ چه در مورد یمن یا «بیانیه بسیار مهمی» که قرار است صادر کند، غافلگیر شده است. به گزارش ایسنا، این شبکه گزارش کرد محافل سیاسی اسرائیل دچار حیرت



که خواستید با اسرائیل رفتار کنید. دیگر رسانه‌های اسرائیل هم گزارش کردند هنوز مشخص نیست که آیا اسرائیل مشمول این توافق بین آمریکا و یمن می‌شود یا خیر. این رسانه‌ها احتمال دادند کاخ سفید توضیحی درباره آتش‌بس میان واشنگتن و صنعا صادر کند و در آن به اسرائیل هم بپردازد.

این درحالی است که محمد عبدالسلام، سخنگوی انصارالله یمن، در گفت‌وگو با شبکه المسیره تاکید کرد که عملیات یمن در حمایت از نوار غزه ادامه خواهد داشت و متوقف نخواهد شد.

### اروپا

## هشدار مرتس به واشنگتن

صدراعظم جدید آلمان در اولین مواضع خود آمریکا را چگونه خطاب کرد؟

فردریش مرتس، صدراعظم جدید آلمان در گفت‌وگوی با شبکه خبری زد.دی.اف این کشور گفت: «ما بام دولت آمریکا را تشویق و ترغیب کنم که اجازه دهد سیاست داخلی در آلمان، سیاست داخلی باشد و تا حد زیادی از ملاحظات حزبی دوری کند». وی ضمن اشاره به این مساله که برنامه‌های خود را با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در تماس تلفنی روز پنج‌شنبه اعلام می‌کند، بر این مساله تاکید کرد که دولت آمریکا باید از سیاست‌های داخلی آلمان دور بماند. صدراعظم جدید آلمان همچنین خاطرنشان کرد، شخصاً ترامپ را نمی‌شناسد اما با او بی‌پرده صحبت خواهد کرد. مرتس همچنین دولت واشنگتن را به اشاعه دیدگاه‌های پوچ و بی‌اساس درباره جمهوری فدرال آلمان متهم کرد. وی درباره حمایت واشنگتن از حزب راست افراطی آلترناتیوی برای آلمان نیز گفت: «همواره این را گفته‌ام که آمریکا می‌تواند بین احزاب افراطی و احزاب میانه سیاسی تمایز قابل شود».



### ادامه یادداشت روز

## ترامپ در خاورمیانه

با توجه به اینکه احتمالاً نشست شورای همکاری خلیج‌فارس در عربستان سعودی برگزار می‌شود، سفر ترامپ به این کشور می‌تواند فرصتی باشد تا در جمعی از رهبران منطقه، سیاست‌های آمریکا را تشریح و هم‌افزایی بیشتری ایجاد کند. با وجودی که ابتدا قرار بود سفر فقط به عربستان محدود باشد اما اکنون با گنجاندن دو کشور دیگر نشان می‌دهد که او به دنبال ایجاد اجماع منطقه‌ای گسترده‌تری است. از منظر اسرائیل، این سفر می‌تواند فرصتی برای گسترش توافق‌نامه ابراهیم باشد. با این حال به نظر می‌رسد که در شرایط فعلی چنین انتظاری غیرواقع‌بینانه است؛ چراکه با افزایش مخالفت‌های عمومی در دنیای عرب با سیاست‌های اسرائیل، به‌ویژه در پی حوادث اخیر در غزه، امکان پیوستن کشورهای همچون قطر به این توافق‌نامه بسیار بعید به نظر می‌رسد.

### فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل



تنش میان هند و پاکستان بر سر حمله تروریستی ۲۲ آوریل در پهلگام واقع در بخش کشمیر تحت کنترل هند که ۲۶ کشته بر جای گذاشت ازجمله رویارویی دیپلماتیکی به‌شمار می‌رود که هیچ‌کس فکر نمی‌کرد دامنه آن به تقابل سخت، تبادل آتش و در نهایت شلیک موشک، آن هم در این سطح کشیده شود. در گذشته هم تنش میان این دو همسایه اتمی به نقطه جوش رسیده بود اما در نهایت با میانجیگری دولت‌های منطقه‌ای یا فرمانطقه‌ای به پایان رسید، اما اتفاقاتی که ظرف ۴۸ ساعت گذشته رخ داده نشان می‌دهد که نمودار تصاعد تنش میان اسلام‌آباد و دهلی درحال صعود پله‌کانی است. بامداد چهارشنبه رسانه‌های پاکستان اعلام کردند که هند حمله موشکی علیه خاک این کشور را عملیاتی کرده است و چندی بعد، سخنگوی ارتش پاکستان ضمن تایید حمله هند، گفت که «پاکستان حمله موشکی هند را تایید می‌کند و این کشور حمله موشکی خود را به سه منطقه آغاز کرده است». راشا تودی به نقل از منابع محلی در همان ابتدای درگیری اعلام کرد که ۸ الی ۹ موشک از سوی هند به پاکستان شلیک شده است و در نهایت سخنگوی ارتش پاکستان در گزارش تکمیلی خود اعلام کرد که یک موشک هندی، فروزگاه مظفرآباد در کشمیر پاکستان را هدف قرار داده است. خطوط هوایی بین‌المللی پاکستان نیز بلافاصله اعلام کرد که پروازهایی که در آسمان درحال پرواز بودند، به سمت کراچی تغییر مسیر دادند.

### ردوبدل مواضع - تبادل آتش

آنچه در ابتدای این حملات رخ داد واکنش و بیانیه‌های جهت‌دار و البته تدوینیز دو کشور علیه یکدیگر بود. پاکستان دقایقی پس از حمله موشکی هند وعده اقدام تلافی‌جویانه را داد و صراحتاً اعلام کرد که پاسخ حمله موشکی هند را خواهد داد. در بخشی از بیانیه وزارت دفاع هند آمده است که «نیروهای مسلح هند عملیاتی را آغاز کردند و زیرساخت‌های تروریستی در پاکستان، جامو و کشمیر تحت اشغال پاکستان را مورد هدف قرار دادند که از این منطقه حملات تروریستی علیه هند طراحی و هدایت شده است. همچنین، در مجموع ۹ منطقه مورد هدف قرار گرفتند و لازم به ذکر است که اقدامات ما متمرکز، سنجیده و ماهیت غیرتشدید کننده‌ای داشته است».

در مقابل ژنرال احمد شریف چودری، رئیس روابط عمومی ارتش پاکستان در واکنش به حمله موشکی هند گفت که «جنگنده‌های نیروی هوایی پاکستان مرتباً در آسمان بوده و درحال



### واکنش‌های جهانی

درخصوص تنش میان هند و پاکستان باید به این موضوع توجه داشت که جهان درحال نظاره کردن یک رویارویی نظامی میان دو کشوری است که هر دوی آنها، اتمی به حساب می‌آیند. براساس آخرین آمارهای منتشر شده، هند ۱۷۲ کلاهک هسته‌ای و پاکستان ۱۷۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار دارند اما از منظر بودجه دفاعی سالانه و تسلیحات نظامی این دو با هم تفاوت زیادی دارند که این موضوع توازن نظامی را بر هم می‌زند. از سوی دیگر، هند یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین شرکای ایالات‌متحده در منطقه ایندو-پاسیفیک به‌شمار می‌رود و عملاً ایالات‌متحده به هند به‌عنوان خاکریز اول برای مقابله با چین نگاه می‌کند.

بر همین اساس، هند به‌عنوان دومین کشور پرجمعیت دنیا که از آن به‌عنوان یک قدرت نوظهور نام برده می‌شود و همچنین پاکستان به‌عنوان یک قدرت اتمی، کشورهایی به‌شمار می‌روند که تنش میان آنها جامعه ملل را نگران می‌کند. بر همین اساس علاوه بر آمریکا، وزارت خارجه چین در واکنش به عملیات برون‌مرزی هند علیه زیرساخت‌های ادعایی تروریستی در پاکستان اعلام کرد که درباره تحولات کنونی و در جریان بین دهلی و اسلام‌آباد نگران است و به دو کشور تاکید کرد تا از بدتر شدن اوضاع اجتناب کنند. فرانسه، آلمان و اتحادیه اروپا به انضمام ایران و روسیه هم از دو طرف خواستند که تنش‌ها را کاهش دهند. با این تفاسیر باید دید که چه اتفاقی طی روزهای آینده در این مسیر رخ خواهد داد.



سال هشتم شماره ۱۹۶۳  
پنج‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

## کافه

تازه‌های ادب و هنر

وبترین: تازه‌های کتاب

## سلفی با کوروش

**عصر شاهان بزرگ** روایتی منصفانه‌تر از این دوران مهم ایران باستان بر اساس منابع ایرانی است



دربارهٔ تاریخ ایران باستان و مشخصاً دربارهٔ هخامنشیان کتاب‌های بسیاری نوشته شده است. این کتاب‌ها را با قدری تسامح می‌توان به دو دستهٔ تخصصی و عمومی تقسیم کرد. در هر حال اما از حیث منابع و مراجع در هر دو دسته، دست بالا با منابع یونانی و رومی است.

کتاب «عصر شاهان بزرگ» از هر دو حیث با عمده آثاری که تاکنون منتشر شده است، تفاوت دارد. نخست، کتابی است خوش‌خوان، روان و در برگیرندهٔ دوران طولانی آغاز تا پایان شاهنشاهی پارسیان با ارجاعاتی فراوان که کتاب را در مرز بین اثری تخصصی و اثری عمومی نگه داشته است. و دوم، نقطه عطف کتاب به زعم نویسنده آن، تلاش برای روایتی منصفانه‌تر از این دوران مهم باستانی است. این بار اما نه با انکا به منابع یونانی بلکه با ارجاع مداوم به منابع نو یافته تمدن ایرانی. بر نویسنده روشن است که برای توضیح چند و چون یک تمدن نمی‌شود، یا شاید نباید، تنها به منابع مهم‌ترین رقیب یا حتی خصمش اعتماد و اکتفا کرد.

افزودن بر این، نویسنده در قسمتی با عنوان «سخن آخر» به اختصار به چند و چون امیال اصحاب قدرت در ایران معاصر در بازخوانی این دوره باستانی ایران اشاره می‌کند و از تلاش‌ها برای خودسازی آن میراث پرده بردارد و می‌نویسد: «در پی انتخابات متاخرسه‌برانگیز سال ۲۰۰۹/ ۱۳۸۸ رئیس‌جمهور حاشیه‌ساز ایران، محمود احمدی‌نژاد به امید کسب دوبارهٔ مشروعیت، شروع به ایفای نقش یک ملی‌گرا در مواجهه با دشمنان خارجی کرد. توافق موزهٔ بریتانیا درخصوص قرض دادن استوانهٔ واقعی به موزهٔ ملی ایران برای نمایشگاه ویژهٔ کوروش و میراث او نوعی پیروزی دیپلماتیک برای احمدی‌نژاد بود. هزاران ایرانی که یک بار دیگر شناس دیدن این سند بابلی را یافته بودند، گروه گروه به تماشای آن رفتند، سندی به خط اکدی و در خطاب به مردم میان‌رودان اما از آن به مثابهٔ نماد «ایرانیت» استقبال کردند. .... ایرانیان شاید دربارهٔ واقیعت امپراتوری‌سازی ایران باستان و محتوای متن استوانهٔ کوروش کمی زودباور باشند اما این امر مانع تب اوج گیرندهٔ کوروش نبوده است.»

لوید لولتین جونز در زمان و مکان سفر می‌کند و ظهور شاهنشاهی هخامنشی، گسترش و تحکیم پایه‌های آن را از آغاز آن که جامعه‌ای قبیله‌ای در جنوب غرب ایران بود تا زمانی که اولین ابرقدرت بزرگ تاریخ شد و بر سرزمین‌هایی وسیع سیطره یافت، دنبال می‌کند. زندگی پادشاهان آن را بررسی کرده و به کندوکاو در سیاست‌هایی می‌پردازد که به شکلی گسترده ادارهٔ شاهنشاهی متأثر از آن بود. در رویارویی با جمع پراپهت شخصیت‌های فراموش نشدنی- شاهان، ملکه‌ها، خواجه‌ها، سربازان، اسرا، مالیات‌گیران و کنیزان- درنگ کرده تا در دنیایی که آن‌ها در آن می‌زیستند، غور کند: اعتقادات دینی، افکار سیاسی و بلندیروازی‌های سرزمینی آن‌ها و اینکه چگونه و کجا زندگی می‌کردند، چه می‌خوردند، چگونه لباس می‌پوشیدند، چگونه می‌اندیشیدند و چگونه تا دنیا می‌رفتند. این کتاب هم دربارهٔ تاریخ سیاسی اولین شاهنشاهی بزرگ ایران باستان است و هم بررسی اجتماعی- فرهنگی دنیای پارسیان.

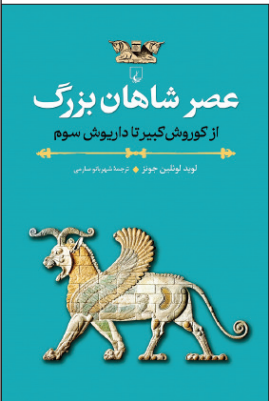
لوید لولتین جونز معتقد است، پیدایش شاهنشاهی هخامنشی اولین تماس مهم و مستمر میان شرق و غرب را ممکن کرد و زمینه را برای امپراتوری‌های بعدی دوران باستان آماده کرد: «اهمیت این عقیده که یک امپراتوری جهانی چگونه باید باشد را نباید دست‌کم گرفت. شاهنشاهی هخامنشی برای اولین بار در

تاریخ راه را برای گفت‌وگوی بین‌المللی گشود چراکه پارسیان روی هم رفته خودکامگانی روشن‌فکر بودند. آن‌ها در پادشاهی مقتدر خود شیوه‌ای پیش گرفتند که به نحوی شگفت‌انگیز آزادمنشانه بود. پارسیان برخلاف رومیان یا بریتانیایی‌ها در قرن‌های آینده که به مثابهٔ جهانگشایانی پرشور خواست خود را بر دیگران تحمیل می‌کردند، تمایلی به تحمیل زبان خود بر اقوام شکست خورده نداشتند.»

داریوش و جانشینانش بر شاهنشاهی‌ای فرمانروایی می‌کردند که در غرب تا دریای مدیترانه و در شرق تا هند امتداد داشت. در جنوب به دریای عمان می‌رسید و در شمال تا جنوب روسیه. این شاهنشاهی حبشه و لیبی، شمال یونان و آسیای صغیر، بلخ، و پنجاب تا رود سند را در بر می‌گرفت. زمین‌های زراعی آن را انتهایی نبود. در این زمین‌ها جو، عدس و گندم پرورش داده می‌شد و سرزمین‌های شاهنشاهی پر بود از کانی‌های ارزشمند مس، سرب، طلا، نقره و فیروزه. روی زمین ثروت هیچ پادشاهی با ثروت آن هم‌اوردی نمی‌کرد.

نویسندهٔ «عصر شاهان بزرگ» این پرسش را مطرح می‌کند که اگر شاهنشاهی هخامنشی ماهیتی چنین جهان‌گستر و تعیین‌کننده در تاریخ داشته، پس چرا به ایرانیان باستان جایگاه مقتضی داده نشده است؟ و در پاسخ معتقد است: «این امر غریب را می‌توان تا حدودی با این واقعیت توضیح داد که تا اوایل سدهٔ نوزدهم کسی به منابع نوشتاری دوران هخامنشی دسترسی نداشت. هنری راولینسون از کمپانی هند شرقی در سال ۱۸۲۲ به این نتیجه رسید که خط میخی فارسی باستان، خطی آوانگارد است، او این خط را رمزگشایی کرد. راولینسون در سال ۱۸۲۷ نسخه‌برداری از کتیبهٔ بیستون را به پایان رساند، متنی طولانی که داریوش بزرگ دستور حک آن را داده بود، او ترجمهٔ بندهای آغازین آن را برای انجمن سلطنتی آسیا فرستاد اما بخش دوم تا سال ۱۸۴۹ منتشر نشد و در میان پژوهش‌گران توجه به فارسی باستان بسیار کند بود. در واقع رمزگشایی از فارسی باستان کلید لازم برای کشف رمز زبان ایلامی، بابلی و سرنجام اکدی (زبان آشوری‌ها) بود و توجه پژوهش‌گران به سرعت به میراث ادبی و کتیبه‌ای غنی میان‌رودان معطوف شد و مطالعات مربوط به پارس متأسفانه به تعویق افتاد.»

لوید لولتین جونز معتقد است از زمان جنگ‌های ایران و یونان، پارسیان هدف نوعی کینه‌توزی بوده‌اند که آنان را سرکوب‌گران مستبد دنیای آزاد نشان دهند. تعهد فکری غرب برای ترویج بی‌ظنیر بودن و برتری مفروض خود، برای مطالعهٔ تاریخ ایران بسیار مخرب بوده است.



### عصر شاهان بزرگ

از کوروش کبیر تا داریوش سوم

داریوش سوم

لوید لولتین جونز

ترجمهٔ شهربانو صارمی

انتشارات ققنوس

۳۹۰ صفحه

۴۶۰ هزار تومان

# راه توسعه از کتاب می‌گذرد

**نمایشگاه کتاب با حضور رئیس مجلس افتتاح شد**

### عصارهٔ تمدن‌سازی

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این مراسم با اشاره به فرمایشات رهبری مبنی بر کتاب مبدا و عصاره تمدن‌سازی است، گفت: «دربارهٔ جایگاه کتاب صحبت‌های زیادی شده است اما بهترین سخن را مقام معظم رهبری فرموده‌اند، همان جا که ایشان کتاب را مبداً و عصارهٔ تمدن‌سازی می‌دانند. اگر به تمدن‌های مختلف بشری نگاه کنیم، صدق این مطلب مشخص است، تمدن یونان و ادبیات نمایشی و فلسفی و مجموعه آثار یونان یا فرهنگ و تمدن چینی در سال‌های مختلف بر اساس کتاب بوده و یا تمدن هند که بر بستر کتاب حرکت کرده و جلو آمده است. در مورد تمدن ایران پس از اسلام هم همین است، اگر شاهنامه خلق نمی‌شد بین ایران پیش از اسلام و ایران پس از اسلام نیز پیوند برقرار نمی‌شد و ما درگیر بین ایران پیش از اسلام و ایران پس از اسلام بودیم. اگر در ایران بعد از اسلام شاهنامه خلق نمی‌شد، زبان فارسی پایدار نبود. اگر تمدنی بخواهد شکل بگیرد و پایدار بماند، نیاز به کتاب دارد، کتاب صرف‌نظر از شکل و ظاهر، یک تفکر منسجم است به جای تفکر پیتزایی، فست فودی و لحظه‌ای که عملاً تفکر محسوب نمی‌شود. اگر کشور و جامعه‌ای میل به ماندگاری دارد تا در تفکر اندیشه‌های رقیب و مهاجم هضم نشود، جز با کتاب قدرت ماندگاری نمی‌یابد.» صالحی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «نمایشگاه کتاب ایران یک باشگاه بزرگ اجتماعی است، ما نیاز داریم که باشگاه‌های موجود را حفظ کرده و باشگاه‌های جدی خلق کنیم. ایران امروز نیاز به هم‌گرایی و همراهی دارد، هر چه بیشتر این هم‌گرایی را نشان دهیم، راه ایران را هموارتر کرده‌ایم. اگر توسعهٔ ایران را می‌خواهیم باید به کتاب بیشتر فکر و در راه توسعه این این فرهنگ در ایران بیشتر تلاش کنیم.

### حرف نو نشر

محسن جوادی، رئیس سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران هم در این افتتاحیه گفت: «نمایشگاه کتاب تهران نه تنها وبترین

### نقدفیلم

# صرفاً برای خنده

**نگاهی به فیلم دایناسور ساخته مسعود اطیابی**

### نوبد شمس

گروه سینما

«دایناسور ساخته مسعود اطیابی، کارگردانی با سابقه در ساخت آثار پر فروش و آشنا به فرمول‌های گیشه است. امیر برداران، نویسنده فیلمنامه است که ایده اولیه فیلمنامه او قابل تامل است اما در اجرا با چالش‌هایی روبه‌رو است. تهیه‌کننده فیلم محمد شایسته است که رویکرد تجاری در تولید اثر مشهود است. ایده اولیه فیلمنامه که توسط امیر برداران نوشته شده، یعنی پرداختن به معضل جدی اعتیاد با زبان کمدی بر روی کاغذ جذاب و دارای پتانسیل مناسبی است. امکان تبدیل آن به یک کمدی سیاه که هم‌زمان موجب خنده و تامل شود، وجود داشت. اما متأسفانه در مرحله اجرا، فیلمنامه از انسجام لازم برخوردار نیست. داستان اصلی یعنی تلاش رضا برای کسب گواهی عدم اعتیاد مانند خطی روایی عمل می‌کند که مجموعه‌ای از صحنه‌ها و موقعیت‌های کمیک پر اکنده به آن متصل شده‌اند. بسیاری از این موقعیت‌ها لزوماً ارتباط منطقی مستحکمی با یکدیگر ندارند و به نظر می‌رسد صرفاً با هدف ایجاد خنده نوشته شده‌اند.

دیالوگ‌ها در برخی قسمت‌ها، به‌خصوص در تعاملات میان جمشیدی و جعفری، واقعاً هوشمندانه هستند. اما در موارد بسیاری، شوخی‌ها بسیار سطحی، تکراری یا حتی متمایل به کمدی جنسی نازل و استفاده از الفاظی می‌شوند که شاید برای خنداندن لحظه‌ای موثر باشند اما پیرنگ داستان نیز به سرعت قابل پیش‌بینی می‌شود و فاقد پیچیدگی خاصی است.

مسعود اطیابی کارگردانی است که اکنون به عنوان چهاره‌ای شناخته شده در ساخت آثار پر فروش شناخته می‌شود. «دایناسور» دقیقاً همان فرمول آثار پیشین او نظیر «هتل»، «بخارست» یا «تگزاس» را پی می‌گیرد: بهره‌گیری از بازیگران محبوب و دارای ظرفیت جذب مخاطب (به‌ویژه زوج جمشیدی و جعفری)، تمرکز بر کمدی موقعیت لحظه‌ای و شوخی‌های کلامی، ریتم سریع و سرگرم‌کننده و داستانی فاقد پیچیدگی که به راحتی قابل دنبال کردن است. کارگردانی اطیابی بیشتر به مدیریت صحنه برای اجرای شوخی‌ها شباهت دارد تا تلاشی برای ارائه یک امضای هنری مشخص. دکوپاژها ساده و کاربردی هستند و هدف اصلی، قرار دادن بازیگران اصلی در قاب





## عقب‌نشینی ترامپ از هالیوود

موج انتقادهای نظر رئیس جمهور آمریکا را تعدیل کرد

معناست که هر فیلمی که در کشور دیگری ساخته شده و بخواهد وارد بازار آمریکا شود باید دو برابر ارزش مالیات پرداخت کند. برای مثال، اگر فیلمی خارجی به یک پخش‌کننده آمریکایی به قیمت ۵ میلیون دلار فروخته شود، آن پخش‌کننده باید ۵ میلیون دلار دیگر به عنوان تعرفه بپردازد تا اجازه پخش آن را در آمریکا بگیرد.

یکی از تهیه‌کنندگان مستقل بریتانیایی نیز گفت که در حال حاضر مشغول فیلمبرداری پروژه‌ای است که قرار بود در آمریکا ساخته شود اما به دلیل هزینه‌ها به بریتانیا منتقل شده است: «ایده جدید آقای ترامپ هزینه‌های تولید در آمریکا را کاهش نمی‌دهد پس به مساله اصلی پاسخ نمی‌دهد. با توجه به بازگشت سرمایه‌ای که بریتانیا از مشوق‌های مالیاتی دارد، آمریکا هم می‌تواند از چنین الگوهایی برای تقویت صنعت داخلی خود استفاده کند.»

کمیسیون فیلم بریتانیا نیز در بیانیه‌ای بر لزوم صوری و انتظار برای روشن شدن جزئیات تأکید کرد. آدریان ووتون، مدیرعامل این کمیسیون گفت: «با وجود نگرانی‌برانگیز بودن این اعلام باید جزئیات مربوط به تعرفه‌های پیشنهادی را بررسی کنیم. بریتانیا و آمریکا تاریخچه‌ای طولانی از همکاری‌های مشترک در صنعت فیلم دارند و به تازگی صدمین سال آن را جشن گرفتند. ما امیدواریم این همکاری ادامه یابد و برای هر دو طرف سودمند باشد.» برخی کارشناسان نیز به ایرادهای احتمالی این سیاست اشاره کردند. کارولین دیناج، نماینده محافظه‌کار پارلمان بریتانیا و رئیس کمیته فرامرزى فرهنگ، رسانه و ورزش پارلمان گفت: «ایجاد موانع برای ساخت فیلم در بریتانیا به نفع کسب‌وکارهای آمریکایی نیست. سرمایه‌گذاری آن‌ها بر زیرساخت‌ها و استعدادها در بریتانیا که مبتنی بر مالکیت معنوی آمریکایی است، بازدهی فوق‌العاده‌ای در هر دو سوی اقیانوس اطلس دارد. دولت باید فوراً این موضوع را در اولویت مذاکرات تجاری جاری قرار دهد.» همچنین مدیرعامل یک شرکت پخش مستقل اروپایی گفت: «در حال حاضر مشخص نیست که این مالیات‌ها چگونه اعمال خواهد شد. آیا از بودجه یا حداقل پرداخت فیلم محاسبه می‌شود یا چیز دیگری؟ فعلاً این فقط یک تهدید است و بیشترین آسیب را هم مخاطبان فیلم‌های هنری آمریکایی خواهند دید. این تصمیم باعث افزایش تولید در آمریکا نمی‌شود.»

بر اساس گزارش گاردین، وزیر کشور استرالیا، تونی بورک، گفته است که با رئیس سازمان سینمایی این کشور در این زمینه گفت‌وگو کرده و افزود: «ما به‌طور قاطع از حقوق صنعت تصویری استرالیا دفاع خواهیم کرد.»

متیو دینر، مدیرعامل انجمن تهیه‌کنندگان استرالیا (SPA) نیز در این باره گفت: «در حال حاضر مشخص نیست این تصمیم در عمل چگونه اجرا خواهد شد اما بدون شک موجی از نگرانی در سطح جهان ایجاد می‌کند. این مساله نشان می‌دهد، دولت باید فوراً بر تقویت صنعت داخلی تمرکز کند.»

کریستوفر لاکسن، نخست‌وزیر نیوزیلند نیز در نشست خبری گفت که دولت منتظر جزئیات بیشتر در این باره است و افزود: «ما مدافع پرشور این صنعت خواهیم بود.»

کمیسیون فیلم اسپانیا هم در این ارتباط اعلام کرد: «لذت از تنوع آثار سینمایی امروز حاصل تجارت آزاد جهانی است. تعرفه‌های پیشنهادی آمریکا می‌توانند منجر به ضرر همگانی شوند. اتحادیه اروپا باید استراتژی روشنی برای دفاع از جریان تولید محلی و همکاری‌های جهانی داشته باشد.»

در ادامه جنجال‌ها بر سر طرح دونالد ترامپ برای اعمال تعرفه ۱۰۰ درصدی بر فیلم‌هایی که «در سرزمین‌های خارجی تولید شده‌اند»، رئیس‌جمهور آمریکا سعی کرده، لحن خود را تعدیل کند.

ترامپ در اظهاراتی که توسط شبکه «CNBC» منتشر شد، گفت که هدفش آسیب رساندن به صنعت فیلم‌سازی نیست بلکه می‌خواهد به آن کمک کند.

ترامپ گفت: «من نمی‌خواهم به این صنعت ضربه بزنم، هدفم حمایت از آن است. به همین دلیل با رهبران این صنعت دیدار خواهیم داشت. می‌خواهم مطمئن شوم که آنها از این طرح راضی هستند چون هدف ما اشتغال‌زایی است.»

با این حال، ترامپ بار دیگر به گاوین نیوسام، فرماندار ایالت کالیفرنیا، تاخت و او را «فردی به شدت نالایق» خواند که باعث شده، صنعت فیلم از لس‌آنجلس و کالیفرنیا خارج شود. او گفت: «هالیوود دیگر آن قدرها فعال نیست، فقط یک تابلوی قشنگ دارد و همه چیز ظاهراً خوب است اما واقعاً فعالیت زیادی در آن انجام نمی‌شود.»

در پاسخ، گاوین نیوسام در بیانیه‌ای از صنعت فیلم و تلویزیون کالیفرنیا به عنوان «یکی از ارکان اقتصاد این ایالت» یاد کرد و گفت: «برنامه من برای پیش از دو برابر کردن اعتبار مالیاتی تولیدات فیلم و تلویزیون، نشان‌دهنده تعهد ما به حفظ تولید در داخل ایالت، حمایت از نیروی کار و حفظ رهبری جهانی کالیفرنیا در عرصه سرگرمی است.»

نیوسام همچنین از آمادگی خود برای همکاری با دولت فدرال در زمینه گسترش مشوق‌های مالیاتی خبر داد. نیوسام پیش‌تر در ماه آوریل از طرحی برای افزایش اعتبارات مالیاتی ایالت کالیفرنیا به مبلغ ۷۵۰ میلیون دلار خبر داده بود و اکنون نیز پیشنهاد بستهای فدرال به ارزش ۷۰۵ میلیارد دلار را مطرح کرده است.

آدام شیف، سناتور کالیفرنیا نیز در واکنش به طرح افزایش ۱۰۰ درصدی تعرفه فیلم‌های ساخته شده خارج از خاک آمریکا نسبت به عواقب «پیش‌بینی نشده و بالقوه مخرب» آن هشدار داد. او از طرح مشوق‌های فدرال حمایت کرد و گفت: «ما فرصتی داریم تا با همکاری هم یک طرح مالیاتی بزرگ در سطح فدرال تصویب کنیم تا مشاغل صنعت فیلم‌سازی را به داخل کشور بازگردانیم.» به گزارش گاردین، واکنش‌ها به طرح ترامپ تنها به چهره‌های سیاسی محدود نشد. جیمی کیمبل و جیمی فالون، مجریان برنامه‌های شبانه با لحنی طنزآمیز از این تصمیم انتقاد کردند. کیمبل با اشاره به ادعای ترامپ مبنی بر اینکه فیلم‌های خارجی تهدیدی برای امنیت ملی هستند، گفت: «من واقعاً اهمیتی نمی‌دهم فیلم‌ها کجا ساخته می‌شوند. ظاهراً سونیک، خاریشت مهاجر غیرقانونی (اشاره به فیلم کمید اکشن سونیک خاریشت)، تهدیدی برای امنیت ملی است و باید متوقف شود!»

فالون نیز در شوخی‌های خود به ایده منع فیلم‌برداری در کشورهای خارجی پرداخت و گفت: «خیلی جالب می‌شه اگر ارباب حلقه‌ها رو در بیون، نیوجرسی بسازند. آگه خوشتون نیما، می‌تونید امیلی در دومین رو ببینید، درست مثل امیلی در پاریس، همون قدر دلنشینه!»

علاوه بر اینها صنعت جهانی سینما به سرعت به خبر احتمال اعمال تعرفه ۱۰۰ درصدی توسط دونالد ترامپ بر تمام فیلم‌های تولید شده «در سرزمین‌های خارجی» واکنش نشان داده است. طرح اعلام شده از سوی دونالد ترامپ برای اعمال تعرفه ۱۰۰ درصدی بر فیلم‌هایی که خارج از آمریکا تولید شده‌اند به این



روزهای سختی برای ناشران شده است. تکثیر کتاب‌های غیرقانونی پرفروش ناشران، ارائه کتاب‌های نازل و کم ارزش سال‌هاست که فعالیت ناشران را تحت‌تأثیر قرار داده است. در اتحادیه شعاری سرلوحه ماست که ما چیزی از کتاب نمی‌خواهیم.» کریمی با برشمردن مشکلات این صنف، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «در سال‌های گذشته و در چنین دورانیف سخنان ما را می‌شنیدند و وعده رفع مشکلات می‌دادند اما پس از نمایشگاه مسانل به بوته فراموشی سپرده می‌شد. نمایشگاه کتاب از ۱۷ تا ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴ با شعار «بخوانیم برای ایران» در محل مصلای امام خمینی برگزار و همه روزه از ساعت ۱۰ صبح تا ۸ شب پذیرای مخاطبان است. کشور «عراق» به عنوان میهمان ویژه این دوره از نمایشگاه کتاب انتخاب شده است که بنا بر اعلام مسئولان برگزاری نمایشگاه، حضورش با ۳۰ ناشر و چهره فرهنگی همراه خواهد بود. نمایشگاه کتاب از بخش‌های کودک و نوجوان، ناشران عمومی، ناشران آموزشی، ناشران دانشگاهی، ناشران خارجی، ناشران دیجیتال و بخش بین‌الملل تشکیل شده است. برخلاف دوره قبلی نمایشگاه کتاب، امسال کتاب‌فروشان در نمایشگاه حضور ندارند اما طبق اعلام سخنگوی نمایشگاه در امتداد برگزاری نمایشگاه، امسال از روز ۲۸ اردیبهشت ماه به مدت ۵ روز، امکان فروش به صورت جداگانه فقط برای کتاب‌فروشان مهیا شده است و ضمن اختصاص بارانه‌ای جداگانه تا ۱۰ میلیارد تومان برای آن‌ها، فرصت خرید برای کسانی که بارانه خود را در نمایشگاه کتاب مصرف نکرده‌اند از کتاب‌فروشان فراهم می‌شود.

برای صنعت نشر بلکه آینه‌ای از دغدغه‌های فرهنگی، ظرفیت‌های ملی و افق‌های بین‌المللی است. فرایند آماده‌سازی نمایشگاه از بهمن ماه سال گذشته آغاز شد، این آمادگی گسترده با همراهی صنوف نشر و دیگر نهادهای فرهنگی مرتبط با ثبت‌نام ۲۳ هزار و ۶۳۲ ناشر داخلی و خارجی شامل یک هزار و ۵۸۴ ناشر از تهران و ۸۰۰ ناشر از استان‌ها طی کرد که نشان از اعتماد و تعلق خاطر ناشران به نمایشگاه و نیز اهمیت آن در چرخه فرهنگی کشور دارد. در این دوره بیش از ۲۷۰ هزار عنوان کتاب در دو بخش حضوری و مجازی عرضه شده‌اند. از این تعداد ۱۷۸ هزار و ۳۰۹ عنوان از آنها چاپ اول و حدود ۶۵ هزار عنوان آثار منتشر شده در سال ۱۴۰۳ هستند، چنین آماری نشان دهنده حیات پر تحرک نشر ایران است، در شرایطی که بسیاری از صنایع با رکود مواجه‌اند، نشر هم‌چنان می‌کوشد حرف نو بزند. در بخش مجازی امکان دسترسی به ۱۳۵ هزار عنوان کتاب الکترونیک فراهم شده که دستاوردی کم‌نظیر در تاریخ نمایشگاه محسوب می‌شود، این گام نشانه‌ای از اهتمام ما به عدالت فرهنگی و فراهم کردن دسترسی عادلانه برای تمام هم‌وطنان به ویژه در مناطق کم برخوردار است.»

### روزهای سخت نشر

ابراهیم کریمی، رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران نیز با بیان این که بدون نمایشگاه، تهران چیزی کم دارد، گفت: «کم شدن حجم نقدینگی با توجه به افزایش قیمت کتاب، هم‌چنین مقاومت سازمان مالیاتی کشور برای اجرای معافیت مالیاتی ناشران، موجب شکل‌گیری

است. بسیاری معتقدند این تیپ دیگر به ورطه تکرار افتاده و جمشیدی صرفاً در حال بازتولید نقش‌های پیشین خود است. این دیدگاه چندان دور از واقعیت نیست؛ نوآوری چشمگیری در بازی او دیده نمی‌شود. اما نکته قابل توجه این است که این تیپ تثبیت شده، فارغ از میزان تکراری بودنش همچنان در ایجاد خنده در مخاطب سالن سینما موفق عمل می‌کند. گویی این نقش به نوعی به امضای شخصی او بدل شده است.

در مقابل، امیر جعفری مانند همیشه پرانرژی، پرتحرک و مسلط ظاهر می‌شود. او نقش مکمل را بر عهده دارد اما در بسیاری لحظات، بار کمدی فیلم را به تنهایی حمل می‌کند. دیالوگ‌ها را با انرژی و بزه‌ای ادا می‌کند و فیزیک بدنی‌اش نیز در خدمت اجرای کمدی است. ترکیب این دو بازیگر، یعنی سادگی و درماندگی شخصیت جمشیدی در کنار کنش‌های پرانرژی و به ظاهر مدربرانه شخصیت جعفری، موتور محرک اصلی خنده در فیلم محسوب می‌شود. بازیگران دیگر مانند یوسف تیموری با همان سبک بازی همیشگی خود، لحظات کوتاهی را به خوبی بازی می‌کنند. سوسن پرور نیز در نقش مکمل زن، تلاش می‌کند تا به فضای کمدی فیلم باری رساند. حضور نگار فروزنده و رضا ناجی نیز بیشتر در جهت تکمیل فهرست بازیگران است تا ایفای نقشی تعیین‌کننده. مشکل اصلی این بخش، فقدان عمق در شخصیت‌پردازی است. هیچ یک از شخصیت‌ها، حتی دو کاراکتر اصلی، عمق نمی‌یابند و همگی در سطح تیپ باقی می‌مانند. مخاطب هرگز دلایل واقعی اعتیاد رضا یا جزئیات گذشته او را در نمی‌یابد. همه چیز سطحی باقی مانده و صرفاً در خدمت خلق موقعیت‌های کمدی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد، نه کارگردان و نه نویسنده، تمایل چندانی به کاوش عمیق‌تر در شخصیت‌ها نداشته‌اند.

ریتم فیلم بسیار سریع است و مدام از یک موقعیت کمدی به موقعیت

بعدی پرش می‌کند. این امر موجب می‌شود، فرصت کمتری برای احساس خستگی یا ملال در مخاطب ایجاد شود که برای فیلمی با هدف سرگرمی یک نکته مثبت تلقی می‌شود. اما این سرعت بالا پیامدهای دوگانه‌ای دارد: از یک‌سو مانع خستگی می‌شود و از سوی دیگر، مانع از تعمیق فیلم، ارائه فرصت کافی برای معرفی بهتر شخصیت‌ها شده و گاه این حس را القا می‌کند که مخاطب درحال تماشای مجموعه‌ای از کلیپ‌های کمدی متوالی است تا یک فیلم سینمایی منسجم. برای مخاطب عام که صرفاً به دنبال خنده و گریز از روزمرگی است، این ریتم احتمالاً جذاب خواهد بود اما برای فردی که به دنبال داستانی مستحکم‌تر است، می‌تواند ناخوشایند باشد.

فیلم تلاشی بسیار کم‌رنگ و ناکافی انجام می‌دهد تا نشان دهد، اعتیاد امری مذموم است و زندگی را تخریب می‌کند. به عنوان مثال، ممکن است در صحنه‌ای کوتاه، نگرانی خانواده رضا نمایش داده شود یا خود او در لحظه‌ای به وضعیت نامطلوبش بیندیشد. اما این تلاش‌ها آنقدر سطحی و گذرا هستند که به هیچ‌وجه جدی گرفته نمی‌شوند. سنگینی کفه ترازو به شدت به سمت کمدی، شوخی و خنده است. هر زمان که فیلم قصد دارد، اندکی جدی شود یا حس تلخی را منتقل کند بلافاصله یک شوخی یا موقعیت دیگر از راه می‌رسد و آن حس را زایل می‌کند. گویی خود فیلم نیز به قابلیت خود در ارائه هم‌زمان خنده و محتوای جدی باور ندارد و به همین دلیل به کلی از پرداختن به بخش جدی موضوع صرف‌نظر کرده است. صادقانه بگویم، هنگام خروج از سالن سینما بهمن میدان انقلاب این فکر به ذهن متبادر می‌شد: «برای یک فیلم کمدی ایرانی که هدف اصلی‌اش گیشه است، اثر قابل قبولی بود.» به این معنا که با در نظر گرفتن سطح انتظار رایج از این نوع کمدی‌ها، «دانیاسور» کارکرد خود را، که همانا خنداندن مخاطب عام است، انجام می‌دهد. بازخورد مخاطبان در سالن و صدای خنده آنان نیز مؤید همین امر بود به خصوص در واکنش به تعاملات جمشیدی و جعفری. اما آیا این فیلم یک اثر هنری ماندگار است؟ قطعاً خیر. آیا پیام جدید و مهمی برای عرضه دارد؟ به هیچ‌وجه. «دانیاسور» محصول دیگری از خط تولید فیلم‌سازی مسعود اطیابی است؛ یک فرمول آزموده شده که مجدداً به کار گرفته شده است: بازیگران محبوب + داستان ساده + تعداد زیادی موقعیت کمدی (با کیفیت متغیر) + ریتم سریع = فروش موفق در گیشه. اگر مخاطب با هدف صرفاً دو ساعت خندیدن و فراموش کردن مشکلات روزمره به سینما برود و اهمیت چندانی برای منطق روایی، عمق شخصیت‌ها و پیام فیلم قائل نباشد، «دانیاسور» احتمالاً رضایت او را جلب خواهد کرد. یک سرگرمی بی‌دردسر و سبک. اما اگر انتظار بیشتری از سینما وجود داشته باشد، اگر به دنبال کمدی‌ای باشید که اندکی تامل‌برانگیز باشد یا حداقل شخصیت‌های باورپذیرتری ارائه دهد، ممکن است پس از تماشای فیلم، احساس ا탈اف وقت یا عدم ارضای کامل انتظارات حاصل شود. بعید است که در سال‌های آتی، کسی آن را به عنوان یک فیلم مهم یا حتی یک کمدی بسیار خوب به خاطر آورد.



# رویای مترو

## به مناسبت پنجاهمین سالگرد تاسیس شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه



**محسن هاشمی‌رفسنجانی**

رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران

درست ۵۰ سال پیش، در روز سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴ قانونی در مجلس شورای ملی به تصویب رسید که راه را برای تاسیس شرکت متروی تهران هموار کرد؛ قانونی که در ماده‌واحد‌اش اجازه تاسیس شرکتی به نام «راه‌آهن شهری تهران و حومه» را به شهرداری تهران می‌داد؛ شرکتی با شخصیت حقوقی مستقل، با سرمایه‌ای تأمین‌شده از سوی دولت، اما در اختیار شهرداری. تصویب این قانون، گامی بلند و تاریخی در جهت تحقق رویای حمل‌ونقل انبوه، سریع، ایمن، غیرآلاینده و عدالت‌محور در پایتخت ایران بود. انتظار می‌رفت شهرداری تهران در بزرگداشت چنین مناسبت مهمی که امروزه تصور جابه‌جایی میلیون‌ها نفر در کلانشهری چون تهران بدون مترو امری محال می‌نماید، اهتمامی درخور نشان دهد؛ دست‌کم در قالب تبلیغات شهری یا یادکردی درخور شأن این دستاورد ملی، اما دریغ از نشانی. آن‌هم درحالی که در سطح شهر، تبلیغات پرشماری –چه مرتبط با مدیریت شهری و چه بی‌ارتباط با آن– به چشم می‌خورد. از همین‌رو، بر آن شدیم به اقتضای وظیفه تاریخی و برای یادآوری بخشی از تلاش‌هایی که برای تحقق این ابرپروژه صورت گرفت، نکاتی را بر مردم در میان بگذاریم؛ پروژه‌ای که بی‌تردید در پنج دهه گذشته، بزرگ‌ترین طرح عمرانی و شهری پایتخت به شمار می‌آید.

### تجربه ۲۰ ساله در پروژه مترو (۱۳۷۲- ۱۳۹۲)

در مجموع، ۲۰ سال با این پروژه عظیم درگیر بودم و از این میان، ۱۳ سال را در جایگاه رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل شرکت مترو، تمام‌وقت، از صبح علی‌الطوط تا پاسی از شب، صرف هدایت آن کردم. از زمستان سال ۱۳۷۲ که با حکم آقای یشارتی به عضویت هیات‌مدیره و بعد از سال ۱۳۷۶ با حکم آقای عبدالله نوری، وزیران وقت کشور، به مدیریت عاملی مترو منصوب شدم تا پایان سال ۱۳۹۲ که برای انتخابات شوراها ناگزیر از کناره‌گیری کامل شدم، در مجموع ۱۳۵ کیلومتر مسیر، ۸۰ ایستگاه، ۱۳۰۰ دستگاه واگن و بالغ‌بر سه میلیارد سفر شهری به مردم تحویل داده شد. در زمان واگذاری، روزانه حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار مسافر از طریق مترو انجام می‌شد. اینک، با گذشت ۱۴ سال و افزودن شدن خطوط ۶ و ۷، متأسفانه همچنان آمار سفرها در همان حدود باقی مانده است. این درحالی است که ظرفیت بالقعل خطوط موجود، توانایی جابه‌جایی روزانه حداقل ۵ میلیون سفر را دارد؛ ظرفیتی که متأسفانه با کمبود قطار بوجه‌جا مغفول مانده است. اما پیش از آن، شاید بد نباشد نگاهی بیفکیم به ریشه‌های رویای مترو در تهران و اینکه این اندیشه نخستین بار از کجا و چگونه سرآورد.

#### ریشه‌های رویای مترو در تهران

سابقه حمل‌ونقل ریلی شهری در تهران به بیش از ۱۴۰ سال پیش بازمی‌گردد؛ زمانی که نخستین واگن اسبی و سپس قطار تهران– شهرری، معروف به «واگن دودی» در دوران ناصرالدین شاه آغاز به کار کرد. در سال ۱۲۶۰ خورشیدی، نخستین قرارداد حمل‌ونقل ریلی شهری با یک شرکت بلژیکی منعقد شد و تنها پنج سال بعد، قطار تهران – شهرری با مسیری ۸ کیلومتری به بهره‌برداری رسید. در دهه‌های بعد نیز تلاش‌هایی برای گسترش حمل‌ونقل ریلی انجام شد. در سال ۱۳۳۴ طرح راه‌اندازی تراموای برقی بین تهران و شیران پیشنهاد شد و از دهه ۱۳۴۰، مطالعات جدی‌تر با حضور مشاورانی از شوروی، ژاپن و فرانسه آغاز شد. ازجمله طرحی که مشاوران شوروی در ازای خرید باران ایران پیشنهاد دادند، ایجاد شبکه مترویی به طول حدود ۷۰ کیلومتر بود. با این حال در کشوری که خودرو از سال ۱۲۸۰ و تاکسی از سال ۱۳۰۶ وارد شده‌بود و تمایل عمومی به خودرو رو به افزایش بود، توسعه حمل‌ونقل عمومی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو شد و هیچ‌یک از تلاش‌ها به نتیجه نرسید. پایه‌گذاری علمی حمل‌ونقل ریلی تهران به اوایل دهه ۵۰ بازمی‌گردد؛ جایی که شرکت مهندسی مشاور فرانسوی «سوفرتو» مطالعات جامعی درباره ترافیک تهران انجام داد. در سال ۱۲۵۳ زمانی که جمعیت تهران حدود ۶/۳ میلیون نفر برآورد می‌شد، این شرکت ساخت شبکه‌ای متشکل از ۴ خط مترو به‌عنوان ۶۳ کیلومتر در طول ۱۱ سال را پیشنهاد کرد. بر این اساس قانون مترو و بعد شرکت مترو و بعد پروژه ساخت مترو از اواخر سال ۱۳۵۶ با آغاز عملیات اجرایی در منطقه بلاعراض عباس‌آباد کلید خورد، اما با وقوع انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی، فعالیت‌ها متوقف شد و مشاور فرانسوی خارجی نیز ایران را ترک کردند. در زمان توقف، حدود ۳۳۰۰ متر تونل، آن هم به روش ترانشه باز، ساخته شده بود و بخشی از سازه ۳ ایستگاه ساخته شده بود.

#### صنعت مترو و هاشمی‌رفسنجانی

نام صنعت مترو در ایران به درستی با نام آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی گره خورده است. هرچند پروژه مترو تهران پیش از انقلاب و در دهه ۵۰ خورشیدی کلید خورده بود، اما پیشرفت چندانی نیافت. پس از انقلاب، مترو به‌عنوان پروژه‌ای وابسته به رژیم پیشین و نماد تجمل و وابستگی فنی، متوقف شد. در شرایطی که کشور درگیر بحران‌های اقتصادی، سیاسی و جنگ تحمیلی بود، به سختی می‌توان تصور کرد این پروژه بدون حضور و پیگیری شخصیتی چون هاشمی، بار دیگر به جریان می‌افتاد. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی پیش از انقلاب، در سفرها به اروپا، آمریکا و شرق آسیا، با مترو به‌عنوان یکی از ارکان زندگی شهری در کلانشهرهای پیشرفته آشنا شده بود. او دریافته بود که شهری چون تهران بدون سامانه مترو در آینده‌ای نه‌چندان دور با بحران‌های جدی در ترافیک، آلودگی و اتلاف وقت شهروندان مواجه خواهد شد.

#### خطبه تاریخی مترو

درحالی که بسیاری از مسئولان اجرایی در دولت وقت با احیای مترو مخالف بودند، هاشمی به‌عنوان رئیس مجلس و رئیس مجمع نمایندگان تهران به جلسه هیات دولت رفت و مصوبه لازم برای آغاز مجدد پروژه را گرفت. او

# توسعه

در خطبه‌های تاریخی نماز جمعه در اواخر ۱۳۶۳ که بعدها به «خطبه مترو» شهرت یافت، با صراحت درباره ضرورت ساخت مترو سخن گفت. او گفت: «مترو و ترافیک شهر، مساله بسیار مهمی است. نه تنها تهران بلکه مردم شیراز، اصفهان، مشهد، تبریز و جاهای دیگر هم گوش بدهند و به فکر بیفتند که در آینده دچار مشکل تهران نشوند. نظام باید ببیند که چه خساراتی از نبودن مترو وارد می‌شود و چه موهبت‌هایی از طریق مترو می‌آید. هر روز چند میلیون ساعت از وقت مردم تلف می‌شود. آلودگی هوای تهران چند برابر حد مجاز شده است. تهران پایتخت و آبروی کشور است. تاخیر در ساخت مترو ظلم به این ملت است». این سخنرانی تاریخی، روح تازه‌ای به پروژه مترو دمید. در پی آن، از سال ۱۳۶۴ مطالعات کارشناسی برای احیای پروژه با حضور متخصصان داخلی از سر گرفته شد. پیگیری‌های مداوم آیت‌الله و مجمع نمایندگان تهران در نهایت باعث شد، عملیات اجرایی ساخت مترو در سال ۱۳۶۶ با حضور اصغر ابراهیمی به‌عنوان مدیرعامل از سر گرفته شود.

#### بهره‌برداری از نخستین خط مترو

۱۱ سال بعد، در سال ۱۳۷۷ زمانی که تازه مدیرعامل مترو شده بودم، نخستین نمره این تلاش‌ها در قالب خط ۵ مترو (تهران – کرج) به بهره‌برداری رسید. سپس در سال ۱۳۷۸ خط ۲ و از سال ۱۳۸۰ به بعد خط ۱ نیز به تدریج فعال شد. در ادامه، با راه‌اندازی ایستگاه‌های تقاطعی، توسعه به شرق و شمال و بهره‌برداری از خط ۴ در سال ۱۳۸۷ شبکه مترو تهران شتاب بیشتری گرفت و به ستون فقرات حمل‌ونقل عمومی پایتخت بدل شد. نخستین گام‌های اجرایی مترو تهران پس از انقلاب، با اعطای تسهیلات بانکی توسط بانک‌های تجارت و ملت به مبلغ ۵ میلیارد تومان برداشته شد؛ تسهیلاتی که به‌نوعی کلنگ ساخت مترو را بار دیگر به زمین زد. از سال ۱۳۶۸ و در دولت سازندگی به ریاست آیت‌الله هاشمی، روند ساخت مترو با جدیت بیشتری پی گرفته شد. پیوستن بانک‌های ملی و سپه به کنسرسیوم بانکی حامی پروژه، منابع مالی قابل‌توجه‌تری را در اختیار این طرح قرار داد و با جذب فاینانس خارجی به ارزش حدود ۸۰۰ میلیون دلار امکان تجهیز فراهم شد و راه‌اندازی اتفاق افتاد و در سال اول دولت حجت‌الاسلام‌المسلمین خامنی افتتاح‌ها شروع شده و توسعه خطوط مترو ادامه یافت. روند توسعه سالانه خطوط، به طور میانگین ۱۰ کیلومتر در سال بود و تجهیزات ثابت و نواگان متحرک متناسب با آن تأمین می‌شد. در پایان دولت اصلاحات، ۸ کیلومتر مترو با ۳۷ ایستگاه به بهره‌برداری رسیده بود و باعث فعالیت طراحی و ساخت سامانه حمل‌ونقل ریلی شهری در سایر کلانشهرها شد. استقبال چشمگیر مردم از خطوط بهره‌رداری‌شده، نشانه روشنی از نیاز عمومی به حمل‌ونقل ریلی و ضرورت توجه بیشتر به این حوزه در برنامه‌ریزی‌های شهری بود. به‌ویژه در شرایطی که تهران با بحران‌های نظیر آلودگی هوا، پدیده واروگی دما و تأثیرات منفی زیست‌محیطی گرم شدن زمین مواجه است، توسعه مترو به‌عنوان گزینه‌ای راهبردی مورد اجماع کارشناسان و نهادهای تقنینی و اجرایی قرار گرفت. تصویب «قانون حمایت از سامانه‌های حمل‌ونقل ریلی شهری و حومه» در سال ۱۳۸۵ که دولت را مکلف به تأمین ۵۰ درصد هزینه‌های مطالعه و ساخت مترو کرد و نیز تصویب «قانون توسعه حمل‌ونقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت» در سال بعد، که سهم ۴۰ درصدی برای مترو در حمل‌ونقل عمومی تهران تعیین نمود، حاکی از جهت‌گیری مثبت مجلس شورای اسلامی در حمایت از این پروژه ملی بود. با حضور آقای ملک‌مدنی به‌عنوان شهرداری تهران نه‌تنها مانعی در برابر توسعه مترو نبود بلکه با حضور دکتر قالیباف و رویکرد توسعه‌محور او در حوزه حمل‌ونقل، به یکی از حامیان اصلی این طرح تبدیل شد. در این دوره، تمرکز شهرداری بر گسترش مترو و نیز سامانه‌های مکمل مانند BRT به‌گونه‌ای بود که در برخی موارد حتی از دولت نیز پیشی گرفت.

#### تأثیر منازعات سیاسی بر توسعه مترو

منازعات و اختلافات سیاسی ناشی از رقابت‌های انتخاباتی، تأثیر محسوسی بر نگاه دولت به مدیریت شهری، به‌ویژه پروژه مترو تهران گذاشت. برای همگان روشن شد که به‌رغم وجود قوانین حمایتی متعدد که در دولت‌های پیشین وجود نداشت، نگاه سیاسی به مترو عملاً اجرای این قوانین و مهم‌ترین آن، اجرای قانون استفاده از تسهیلات حساب ذخیره ارزی تا پایان سال ۱۳۸۹ توسعه مترو را با مشکلات جدی برای تجهیز مواجه کرد. تا جایی که مجلس، کمیسیون‌های تخصصی و حتی کمیسیون اصل ۹۰ ناگزیر به ورود شدند. یکی از سوالات مطرح‌شده از رئیس‌جمهور وقت که به قوه قضائیه ارجاع شده، دقیقاً به همین موضوع بازمی‌گردد.

#### مشکلات تأمین منابع مالی

از سوی دیگر، تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های داخلی در تأمین منابع مالی، مانع از بهره‌گیری مترو از تسهیلات خارجی شد. حتی وام‌های داخلی نیز به دلیل عدم بازپرداخت اقساط معوقه توسط دولت، از دسترس مترو خارج شد. دولت همچنین قوانین مجلس در زمینه پرداخت اعتبارات ریلی، برداشت از حساب ذخیره ارزی و بعدها صندوق توسعه ملی را نیز اجرایی نکرد. نتیجه این شد که مترو تنها توانست حدود ۷۰ درصد از سهم قانونی خود در بوجه‌های سالانه را دریافت کند و عملاً ۷۰ درصد بار مالی پروژه‌های توسعه‌ای مترو بر دوش شهرداری تهران افتاد. با این وجود، شهرداری توانست با تزریق منابع مالی قابل توجه، پروژه مترو را سر پا نگه دارد. ورود چهار دستگاه حفار مکاینیزه (TBM) با توانایی حفاری روزانه حداقل ۱۵ متر از خطوط ۳ و ۶ و ۷، امکان ساخت سالانه ۲۰ کیلومتر تونل را فراهم کرد. این پیشرفت باعث شد سرعت ساخت تونل‌های مترو از ساخت پل‌ها پیشی بگیرد و حتی هزینه کمتری نیز داشته باشد. به عبارتی، استفاده بهینه از ارزش‌های نهفته در زیرزمین تهران آغاز شد.

#### بومی‌سازی و خودکفایی در صنعت مترو

در حوزه تجهیزات نیز تجربه دوران دفاع مقدس و تحریم‌های آن زمان به شکل‌گیری باور خودکفایی در مترو کمک کرد. نگاه مثبت به توانمندی‌های

## بررسی تحولات اقتصادی



داخلی باعث شد بیش از ۷۵ درصد تجهیزات ثابت، متحرک و قطعات یدکی از تولیدات داخل تأمین شود. با ساخت داخلی تونل‌ها، ایستگاه‌ها، طراحی‌ها و تجهیزات، توسعه مترو به سطحی از بومی‌سازی کامل رسید. با این حال، ظرفیت تولید داخلی واگن نیز مورد غفلت قرار نگرفت. ولی بعدها چهار کارخانه بزرگ واگن‌سازی در کشور– پارس، تهران، ایریکو و پلور سبز– با وجود ظرفیت ساخت حداقل ۱۰۰۰ واگن در سال به دلیل عدم حمایت مالی و تخصیص اعتبار، دچار رکود شدید و بیکاری گسترده شدند. این درحالی است که کشور سالانه با ساخت و ورود بیش از یک میلیون خودروی شخصی با بحران جدی در حمل‌ونقل عمومی روبه‌رو است و نیاز سالانه به حداقل ۳۰۰ واگن جدید برای قطارهای شهری احساس می‌شود.

#### توسعه مترو در سایر شهرها

علاوه بر تهران، شهرهایی چون مشهد، اصفهان، شیراز و تبریز نیز آماده بهره‌برداری و تکمیل خطوط مترو شدند، اما نبود حمایت لازم و اجرا نشدن قوانین حمایتی موجب تاخیر در افتتاح و تکمیل آنها هم شده است. در همین حال، فعالان بخش‌های مرتبط با مترو ازجمله تولیدکنندگان تجهیزات تهویه برق، کابل، سیگنالینگ و کنترل نیز در انتظار نگاه حمایتی دولت و تزریق اعتبار مانده‌اند. در صورتی که این ظرفیت‌ها فعال شوند، صنعت ریلی کشور (مترو، قطار شهری و بین‌شهری) توانایی ایجاد حدود ۱۰ هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم را دارد. نگاه سیاسی به این حوزه، رکود نامیدکننده‌ای بر صنعت ریلی کشور تحمیل کرد.

#### چهار مانع اصلی توسعه مترو

اگر بخواهیم مشکلات ساخت‌و‌توسعه مترو را خلاصه کنیم، می‌توان آن را در چهار محور اصلی برشمرد: نخست، نگاه سیاسی و غیرحرفه‌ای برخی دولتمردان و سیاست‌گذاران؛ دوم، محدودیت در تأمین نقدینگی و منابع مالی؛ سوم، موانع فنی مانند ترافیک شهری و تاسیسات زیرساختی؛ و چهارم، چالش‌های مربوط به تملک اراضی. عبور موفق از این چهار مانع، راه را برای ساخت شبکه‌ای کارآمد، ایمن، دقیق و پاک در حمل‌ونقل شهری هموار خواهد کرد. در مسیر دستیابی به توسعه پایدار شهری، تنها راحل موثر برای مقابله با بحران‌های نظیر آلودگی هوا، ترافیک سنگین، اتلاف وقت و انرژی، گسترش حمل‌ونقل ریلی، به‌ویژه توسعه شبکه متروی تهران است. درحال حاضر، مترو سالانه با ۲ میلیون سفر روزانه، صرفه‌جویی ۴۰۰ میلیون دلاری در مصرف سوخت معادل ۵۰۰ هزار تن فرآورده‌های فسیلی ایجاد می‌کند. این صرفه‌جویی می‌تواند به طور تقریبی ساخت ۱۰ کیلومتر خط مترو جدید را در هر سال تأمین مالی کند و هم‌زمان به ایجاد بیش از ۵۰ هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم بینجامد. با اجرای قوانین حمایتی و قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، تجمع بخشی از منابع حاصل از حذف یارانه سوخت با بودجه قانونی توسعه حمل‌ونقل ریلی می‌تواند روند توسعه مترو را شتاب ببیشد و هم‌زمان انتظارات عمومی برای بهبود کیفیت زندگی را نیز برآورده سازد. بر این اساس، گسترش شبکه مترو باید یکی از اولویت‌های اصلی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور باشد چراکه نه تنها بر ابعاد اقتصادی بلکه بر چهره کالبدی و فضایی شهر نیز اثرگذار است؛ همان‌گونه که در کشورهای توسعه‌یافته شاهد آن بوده‌ایم.

#### شکل‌گیری مجتمع‌های ایستگاهی

در روندهای نوین توسعه شهری، مترو و سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی تنها نقش جابه‌جایی ندارند بلکه به عنوان موتور محرکه توسعه اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهرها عمل می‌کنند. یکی از جلوه‌های این نقش، شکل‌گیری «مجتمع‌های ایستگاهی» در اطراف ایستگاه‌های مترو است؛ فضاهایی چندمنظوره که می‌توانند کاربری‌های تجاری، اداری، خدماتی، تفریحی، ورزشی و فرهنگی را در کنار هم گرد آورند. برای این کار به شهرهای سفر کردم و از نزدیک در جریان نحوه فعالیت این مجتمع‌ها قرار گرفتم. متروی دانمارک و هنگ‌کنگ، بهترین شرایط را برای تأمین مالی از طریق مجتمع‌های ایستگاهی داشت. دلیل این امر روشن است: ایستگاه‌های مترو به واسطه سرعت، قیمت مناسب، ایمنی و راحتی، جمعیت زیادی از شهروندان– به‌ویژه اقشار جوان، فعال و متوسط جامعه– را روزانه جذب می‌کنند. این گروه‌ها دقیقاً همان نیروی کار و مصرف‌کننده‌هایی هستند که موتور اقتصاد شهری را به حرکت درمی‌آورند. بنابراین ایجاد مجتمع‌های ایستگاهی در اطراف مترو نه‌تنها به بهبود کیفیت زندگی شهری کمک می‌کند بلکه بستری فراهم می‌آورد تا سرمایه‌گذاری‌های کلان، چه از سوی بخش خصوصی و چه دولتی، در این نقاط پرفت‌و‌آمد متمرکز شوند. این مدل توسعه که به آن توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل (TOD) نیز گفته می‌شود، در بسیاری از کشورهای پیشرفته تجربه شده و مزایای آن به خوبی به اثبات رسیده است. ازجمله این مزایا می‌توان به تأمین بخشی از هزینه‌های سنگین ساخت مترو از طریق درآمدهای ناشی از این مجتمع‌ها اشاره کرد؛ درآمدی پایدار که نه تنها بار مالی پروژه‌های زیرساختی را سبک‌تر می‌کند بلکه به خودکفایی بیشتر سیستم حمل‌ونقل عمومی نیز می‌انجامد.

#### تأسیس شرکت واگن‌سازی تهران و پیشرفت‌ها

برخلاف تصور عمومی، کمتر از نیمی از هزینه و پیچیدگی ساخت مترو مربوط

به تونل‌سازی و سازه‌های عمرانی است. حدود ۵۰ درصد از پروژه مترو را تجهیزات ثابت و متحرک تشکیل می‌دهد؛ تجهیزاتی که عمدتاً وارداتی بودند و سهم قابل توجهی از بودجه را به خود اختصاص می‌دهند. در آن مقطع، با درک این واقعیت و با هدف کاهش وابستگی به خارج، تصمیم گرفتیم از ظرفیت‌های صنعت داخلی برای تولید واگن‌های مترو بهره بگیریم. بر همین اساس، با طرف خارجی وارد مذاکره شدیم تا فناوری و سرمایه در مقابل، زمین و زیرساخت‌های لازم به تأسیس شرکت واگن‌سازی تهران منجر شد. نقطه عطفی در مسیر بومی‌سازی صنعت حمل‌ونقل ریلی. این شرکت در آبان‌ماه ۱۳۸۲ با تصویب مجمع عمومی شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه (مترو) تأسیس شد و از ۷ آبان همان سال رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. ساختار مالکیتی آن نیز به صورت مشارکت ۵۱ درصدی طرف ایرانی و ۴۹ درصدی شریک خارجی تعیین شد. وظایف اصلی این شرکت شامل تعمیرات اساسی (اورهال) قطارهای مترو، مونتاژ نهایی واگن‌ها، ساخت بدنه واگن‌های دوبطیقه و تعمیرات سنگین لکوموتیوهای برقی است. شرکت واگن‌سازی تهران توانست بخشی از نیازهای فنی مترو را در داخل کشور پاسخ دهد و گامی موثر در جهت انتقال فناوری، افزایش توان تولید داخلی و تقویت زیرساخت‌های فنی حمل‌ونقل شهری بردارد.

### چالش‌های توسعه زیرساخت‌های خودرومحور

برخلاف تصور عمومی، توسعه زیرساخت‌های خودرومحور نه‌تنها ترافیک را کاهش نمی‌دهد، بلکه در بلندمدت آن را تشدید می‌کند، مگر آن‌که هم‌زمان با آن، اولویت‌بخشی جدی به توسعه حمل‌ونقل عمومی، پایدارها و مسیرهای دوجرخه در دستور کار قرار گیرد. غفلت از این بخش‌ها به‌ویژه در کلانشهرهایی چون تهران، نوعی بی‌عدالتی شهری و بی‌توجهی به نیازهای اساسی شهروندان محسوب می‌شود. در مقایسه هزینه‌ای، ساخت بزرگراه‌ها، پل‌ها و خیابان‌ها گاه گران‌تر از توسعه مترو تمام می‌شود، درحالی که این زیرساخت‌های خودرومحور به سرعت مملو از وسایل نقلیه شده و ظرفیتی برای کاهش واقعی ترافیک باقی نمی‌گذارند. بر همین اساس، تنها راهکار پایدار برای کلانشهرهایی با جمعیت بالای یک میلیون نفر، توسعه شبکه ریلی انیومبر در کنار تقویت نواگان اتوبوس‌رانی، BRT، مسیرهای پیاده و دوجرخه‌سواری است. علاوه بر این، باید سیاست‌هایی جدی برای کنترل ورود و مالکیت و هزینه‌های استفاده از خودرو در شهر اتخاذ شود.

#### اقتی ۱۴۰۹؛ چشم‌انداز مترو تهران با ۱۲ خط و ۲۵۰ ایستگاه

براساس طرح جامع توسعه متروی تهران، هدف نهایی ایجاد شبکه‌ای ۱۲ خطی تا اقی سال ۱۴۰۹ است؛ شامل ۸ خط متروی سنگین درون‌شهری و ۴ خط سریع‌السیر به شهرهای اطقاری، با مجموع طول ۴۲۰ کیلومتر و ۲۵۰ ایستگاه. در صورت تحقق این هدف، تمام نقاط تهران– از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب– تحت پوشش مترو قرار خواهد گرفت و همه شهروندان، مطابق با استانداردهای جهانی به راحتی به حمل‌ونقل عمومی ایمن و کارآمد دسترسی خواهند داشت. در دوره پنجم شورای شهر تهران که به‌عنوان رئیس شورا فعالیت داشتم، متأسفانه پروژه مترو آن‌گونه که مدنظر داشتم، پیش نرفت. دلیل اصلی این ناکامی، نه فقدان برنامه یا اراده، بلکه شرایط سیاسی خاص آن دوره بود که مانع از آن شد تا مسئولیت شهرداری تهران را بر عهده بگیرم. برنامه‌ام روشن و اولویت‌محور بود؛ تمرکز کامل شهرداری بر توسعه و تکمیل خطوط مترو و حفظ سایر بخش‌های شهر در وضعیت «نگهداشت» به‌جای اجرای پروژه‌های بره‌زنی غیرضرور. هدفم این بود که بیشتر وقت و هزینه را در موضوع حمل‌ونقل عمومی تهران صرف کنم؛ چراکه معتقدم توسعه حمل‌ونقل عمومی و ریلی شهری، مهم‌ترین راحل پایدار برای تهران گرفتار ترافیک و آلودگی است.

#### انحراف از اولویت‌های حمل‌ونقل عمومی

گسترش حمل‌ونقل خصوصی و خیابان‌ها، هر قدر هم گسترده باشد، ترافیک را کاهش نمی‌دهد؛ بلکه با تشویق به استفاده بیشتر از خودرو شخصی، وضعیت را وخیم‌تر می‌کند. اما اگر خطوط مترو به طور کامل به بهره‌برداری برسند و تجهیزات لازم تأمین شوند، می‌توانند روزانه بین حداقل پنج سفر شهری را پوشش دهند. این پتانسیل تنها زمانی بالفعل خواهد شد که تمام توان شهرداری پشت آن قرار گیرد.

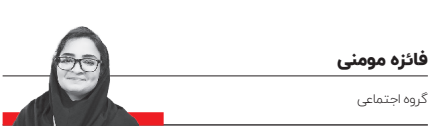
#### تنها راه نجات تهران از زیر زمین می‌گذرد

امروز تهران با در اختیار داشتن شبکه‌ای ۲۹۰ کیلومتری و ۱۶۵ ایستگاه از متوسط جهانی (۱۱۰ کیلومتر طول شبکه و ۸۵ ایستگاه) پیشی گرفته است. با این حال از نظر تعداد واگن‌ها در هر کیلومتر و میزان پوشش‌دهی تقاضای سفر، هنوز با استانداردهای جهانی فاصله دارد. این درحالی است که در کلانشهرهای پیشرفته، مترو نه تنها ستون فقرات حمل‌ونقل شهری بلکه راه‌کاری موثر برای کاهش آلودگی، صرفه‌جویی در وقت مردم و عدالت اجتماعی محسوب می‌شود. مترو تهران، امروز نه‌تنها یک پروژه مهندسی بلکه نمادی از اراده ملی برای بهبود کیفیت زندگی شهری است؛ نمادی که نیم‌قرن از تولد قانونی‌اش می‌گذرد اما همچنان برای آینده‌ای بهتر باید بیش‌از‌پیش روی آن سرمایه‌گذاری کرد.

# سرخک افغانی

## بنابر آمار وزارت بهداشت

## اتباع غیرایرانی عامل شیوع سرخک شناخته شده‌اند



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

سرخک بیماری ویروسی و بسیار مسری است که پس از دوره کمون ۱۰ تا ۱۴ روزه با تب و بثورات جلدی مشخص می‌شود. در سال‌های اخیر روند ابتلا به این بیماری در ایران صعودی بوده است. بر اساس آمار رسمی وزارت بهداشت در سال ۱۴۰۱ تعداد ۲۲۸ مورد تایید شده سرخک ثبت شد که بیش از نیمی از بیماران، اتباع غیرایرانی بودند. این روند ادامه یافت و در سال ۱۴۰۲ مجموعاً ۶۱۲ مورد تایید شده ابتلا به سرخک گزارش شد. همچنین در سال ۱۴۰۳ در مجموع ۶۰۳ مورد سرخک شناسایی و تایید شد. با این حال آمار فروردین ۱۴۰۴ نشان می‌دهد از ابتدای سال تاکنون ۸۲ مورد جدید سرخک ثبت شده است. کارشناسان سلامت و اپیدمیولوژی، عوامل متعددی را در افزایش ناگهانی موارد سرخک در ایران دخیل می‌دانند. مهم‌ترین عامل، نقل و انتقال ویروس از طریق تبادل اتباع کشورهای همسایه است. عدم پوشش کافی واکسیناسیون در شوروهایی مانند افغانستان و پاکستان و تردد اتباع آن کشورها (اعم از قانونی و غیر قانونی) به خاک کشور، مهم‌ترین تهدید برای مصونیت جمعیت ایران اعلام شده است. در یک گزارش، نماینده وزارت بهداشت توضیح می‌دهد که «شیوع بالای سرخک در کشورهای همسایه به ویژه کشورهای شرق کشور، بزرگ‌ترین تهدید برای حذف سرخک در ایران است.» گزارش‌ها حاکی است که در زمستان ۱۴۰۰ (آبان ۱۴۰۰) یک کمپین واکسیناسیون سراسری در استان‌های مرزی (سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کرمان و خراسان جنوبی) اجرا شد و بیش از یک میلیون کودک ۹ ماه تا ۷ سال زیر پوشش واکسیناسیون قرار گرفتند. همچنین ورود گسترده پناهجویان افغان به کشور پس از مرداد ۱۴۰۰ و اختلال در برنامه واکسیناسیون معمول کودکان در دوران همه‌گیری کرونا از دیگر علل مهم افزایش موارد ابتلا به سرخک عنوان شده است. به گزارش کارشناسان، تغییرات جمعیتی و تراکم مهاجران به ویژه آسیب‌پذیری کودکان پناهنده موجب شد موارد سرخک از تابستان ۱۴۰۰ به بعد افزایش

### دیدگاه: محیط زیست

# زاینده‌رود؛ رودخانه‌ای که خاموش شد



علی معینی

کارشناس ارشد سیاست‌گذاری عمومی

زاینده‌رود، شریان حیاتی فلات مرکزی ایران، سال‌هاست که دیگر زایش ندارد. این رودخانه که روزگاری منبع زندگی، تمدن، هویت و آبادانی اصفهان بود، امروز تنها ردی از یک اندوه بزرگ بر سیمای خشکیده شهر نهاده است. اما بحران زاینده‌رود، نه یک مساله محلی است و نه موضوعی که بتوان آن را در محدوده جغرافیای استان اصفهان محصور کرد. زاینده‌رود اکنون یک مساله ملی است؛ بحرانی که در صورت تداوم، می‌تواند منشأ کشاکش ژئوپلیتیک درون‌مرزی، تشدید تنش‌های اجتماعی و حتی تهدیدی علیه ثبات محیط زیستی کشور باشد.

### میراث فراموش‌شده تمدن؛ خسارت بر پیکره تاریخ

خشکسالی زاینده‌رود تنها طبیعت را هدف قرار نداده بلکه پایه‌های میراث تاریخی و فرهنگی این سرزمین را نیز به لرزه درآورده است. پل خاوجو، سی‌وسه‌پل و دیگر ابنیه تاریخی حاشیه رودخانه که زمانی در سایه خنکای آرام آب نفس می‌کشیدند و دیگر یادگاران پرازش تاریخی در گوشه‌گوشه شهر گنبد‌های فیروزه‌ای، امروز در محاصره فرونشست زمین، ترک‌خوردگی و تخریب تدریجی قرار دارند. پژوهش‌های متخصصان سازمان میراث فرهنگی و اسناد رسمی منتشر شده از سوی نهادهای مسئول، تایید می‌کنند که خشکی مستمر رودخانه باعث کاهش شدید رطوبت خاک و در نتیجه تهدید مستقیم بنیان‌های معماری تاریخی شده است.

### گاوخونی؛ تالابی که از نفس افتاد

تالاب بین‌المللی گاوخونی که در انتهای حوضه آبریز زاینده‌رود

پیدا کند. در کنار این موارد، هرچند اطلاعات محدودی در دسترس است، برخی متخصصان بر لزوم مقابله با شک و تردید عمومی نسبت به واکسن تاکید کرده‌اند؛ چراکه هر گروهی از بیماران بدون ایمنی (به دلایل متعدد از جمله ممانعت والدین یا اطلاع‌رسانی ناقص) می‌توانند، زنجیره انتقال را گسترش دهند.

### پوشش واکسیناسیون و ایمنی

وزارت بهداشت تاکید می‌کند که واکسیناسیون معمول علیه سرخک با دو نوبت واکسن (در ۱۲ و ۱۸ ماهگی) انجام می‌شود و پوشش کلی برنامه واکسیناسیون سرخک در کشور نزدیک به ۹۸ تا ۹۹ درصد است. اثربخشی واکسن سرخک نیز بسیار بالا (حدود ۹۸ درصد) برآورد می‌شود. با این حال گزارش‌ها حاکی است هنوز درصد کمی از کودکان در سن زیر یک سال موفق به دریافت به موقع واکسن نشده‌اند همچنین حدود ۵ درصد افراد واکسینه شده ممکن است، ایمنی کامل کسب نکنند. کارشناسان بر این باورند که «کاهش پوشش واکسیناسیون سرخک و کاستی در نظام مراقبتی» می‌تواند زمینه بروز مجدد بیماری را فراهم کند. برای افزایش پوشش ایمنی و جبران تأخیرهای احتمالی، برنامه‌های تکمیلی واکسیناسیون متعددی اجرا شده است. به عنوان نمونه در آبان ۱۴۰۰ در مناطق جنوب شرقی کشور، اقدام واکسیناسیون فراگیر برای جمعیت در معرض خطر انجام شد که طی آن بیش از یک میلیون و ۱۰۰ هزار کودک زیر ۷ سال واکسن سرخک دریافت کردند. همچنین در دی ۱۴۰۱ یک طرح واکسیناسیون حمایتی تحت پوشش یونیسف برای واکسینه کردن کودکان افغان و دیگر اتباع غیرایرانی زیر ۱۵ سال اجرا شد و بیش از ۶۰۰ هزار دُز واکسن سرخک- سرخجه تامین شده توسط یونیسف مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۴۰۳ نیز عملیات واکسیناسیون تکمیلی ادامه یافت؛ برای مثال در دی ماه همین سال حدود ۵۶ هزار کودک زیر ۵ سال در چابهار واکسن ترکیبی سرخک و سرخجه دریافت کردند.

### نقش اتباع خارجی در شیوع

اطلاعات مربوط به ملیت مبتلایان نشان می‌دهد، اتباع غیرایرانی

نقش قابل‌توجهی در شکل‌گیری کانون‌های شیوع سرخک داشته‌اند. در سال ۱۴۰۱ بیش از ۵۰ درصد از موارد سرخک در ایران مربوط به اتباع خارجی گزارش شد. در سال ۱۴۰۲ نیز بیش از ۵۵۶ مورد در میان ایرانیان و ۵۶ مورد در میان غیرایرانی‌ها شناسایی شد که اکثریت غیرایرانی‌ها، تبعه افغانستان بودند. به عبارت دیگر، هرچند عمده موارد مبتلایان ایرانی هستند، سهم اتباع خارجی- به‌ویژه افغان‌ها و برخی پاکستانی‌ها- در انتقال ویروس و ایجاد خوشه‌های جدید محسوس بوده است. مسوولان بهداشتی می‌گویند، گستردگی سرخک در کشورهای همسایه به ویژه افغانستان، پاکستان، عراق و برخی مناطق دیگر، زمینه‌ساز ورود ویروس به ایران و بسروز طغیان‌های پراکنده در استان‌های مرزی شده است. برای نمونه بیشترین موارد ابتلا در سال گذشته مربوط به کانون‌های مرزی مانند چابهار سیستان و بلوچستان (۹۷ مورد)، بندرعباس هرمزگان (۷۲ مورد) و زاهدان (۶۷ مورد) بوده است.

### تهدیدات برای حذف سرخک

ایران در بهار ۱۴۰۲ تأییدیه حذف سرخک و سرخجه را از سازمان جهانی بهداشت دریافت کرد اما مقامات وزارت بهداشت بارها هشدار داده‌اند که این وضعیت پایدار نیست. در گزارش‌های رسمی تأکید شده که افزایش جمعیت پناهندگان و اتباع غیر ایرانی، ضعف اطلاعات دقیق از پراکندگی این جمعیت‌ها و کمبود منابع مالی برای پوشش مناطق پرخطر از چالش‌های جدی مقابل حفظ وضعیت حذف سرخک است. همچنین تأکید شده که حذف قطعی سرخک نیازمند پایش مستمر موارد مشکوک و اجرای سریع واکسیناسیون در همه جمعیت‌های هدف است. چنانچه معاون بهداشت وزارت بهداشت اظهار کرده، اگرچه در حال حاضر «ایمیدی سرخک در کشور ما وجود ندارد و وضعیت تحت کنترل است»، ادامه ورود موارد از خارج و تأخیرها در واکسیناسیون خطر شکست کامل برنامه حذف را تهدید می‌کند.



و مشارکت‌محور، آینده‌ای مبهم را برای هم‌زیستی جوامع در حوضه زاینده‌رود ترسیم می‌کند.

### ریشه بحران؛ مدیریت ناکارآمد و برداشت‌های بی‌ضابطه

در کنار تغییرات اقلیمی، یکی از علل عمده بحران زاینده‌رود، سوء‌مدیریت منابع آب و دیگری تخصیص‌هایی براساس جغرافیای سیاسی و نه اسناد بالادستی تاریخی و حاکمیتی است. برداشت‌های بی‌رویه، انحرافات متعدد در مسیر آب، طرح‌های انتقال آب بدون ارزیابی دقیق اثرات زیست‌محیطی و نیز فقدان نظارت موثر بر حفر چاه‌های عمیق غیرمجاز؛ همگی ساختاری معیوب از حکمرانی نظام آب در کشور را به نمایش می‌گذارند. زاینده‌رود قربانی نظامی است که نه بر مبنای عدالت هیدروپلیتیک بلکه بر پایه فشارهای منطقه‌ای و منافع کوتاه‌مدت تصمیم‌گیری کرده است.

### ضرورتی ملی؛ دوران گفت‌وگوی بین‌حوضه‌ای

بحران زاینده‌رود امروز نیازمند نگاهی فرااستانی، ملی و علمی است. اگرچه مسائل فنی و زیست‌محیطی نقش مهمی در تبیین مسیر پیش‌رو دارند اما راحل نهایی در بازاریابی سیاست‌گذاری آب، مشارکت دادن همه ذی‌نفعان، شفاف‌سازی تخصیص‌ها و حرکت به سوی توافقات پایدار بین‌حوضه‌ای نهفته است. در غیر این صورت، با تداوم روند فعلی، باید منتظر تقابل‌های اجتماعی و حتی جنگ آب درون‌مرزی باشیم؛ بحرانی که پیامدهای آن نه‌تنها دامن اصفهان بلکه تمامیت سرزمینی و انسجام اجتماعی ایران را تهدید خواهد کرد. زاینده‌رود می‌تواند همچنان جاری باشد، اگر سیاست‌ورزان، کارشناسان و مردم در کنار هم از تجربه‌های موفق بهره‌گیرند و آینده‌ای آب‌محور علمی‌تر و عادلانه‌تر با حضور تمامی ذی‌نفعان برای ایران بسازند.



سازمان جهانی بهداشت هشدار داده که شیوع بالای سرخک در برخی کشورهای همسایه می‌تواند به یک «هنگام خطر» برای کل منطقه تبدیل شود؛ بنابراین ایران برای حفظ تأییدیه حذف باید پوشش واکسیناسیون را در سطح بسیار بالا نگه دارد و همه موارد مشکوک را بدون تأخیر شناسایی کند.

### اقدامات وزارت بهداشت

وزارت بهداشت برای مهار شیوع اخیر، مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه و کنترلی را به اجرا گذاشته است. شبکه بهداشت و درمان استان‌ها به ویژه در مناطق پرخطر به رصد روزانه موارد تب‌دار و بثورات جلدی پرداخته و کانون‌های مشکوک را پیگیری می‌کنند. در هرمزگان، به عنوان مثال، پس از شناسایی ۷۰ مورد قطعی سرخک در استان، تیم‌های بهداشتی بیش از ۱۴ هزار خانوار را بازدید کرده و بیش از ۱۶۵۴ دُز واکسن تکمیلی یا واکسن جبرانی را بر اساس دستورالعمل کشوری به افراد در تماس تزریق کردند. همچنین دستورات مکرر به دانشگاه‌های علوم پزشکی برای واکسیناسیون به موقع کودکان و تکمیل پوشش در مناطق حاشیه‌ای صادر شده و پایش به طور روزانه توسط مسئولان ارشد وزارتخانه انجام می‌گیرد. وزارت بهداشت تأکید کرده است که استفاده از دُز تقویتی همگانی (بوستر) برای همه افراد ضرورتی ندارد و واکسیناسیون به موقع (در همان سنین پیش‌بینی شده) بهترین راه حفظ ایمنی جامعه است. در عین حال برای غربالگری و تشخیص سریع موارد، اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها و پرسنل بهداشتی انجام شده و مردم در صورت مشاهده علائم (تب، سرفه خشک، آبریزش بینی، گلودرد و بثورات جلدی) باید فوراً به مراکز درمانی مراجعه کنند. مجلس محترم نیز در برنامه‌ریزی بودجه سال‌های اخیر به وزارت بهداشت مجوز اختصاص بودجه لازم برای عملیات واکسیناسیون تکمیلی داده است، اگرچه گزارش‌ها از برخی تأخیر در تخصیص منابع مورد نیاز خبر می‌دهد.

### معارف

## کرامت انسانی باطعم عرفان رضوی



محمدامین سعودی

فعال مدنی

در جهانی که جوانان نسل Z بیش از هر زمان دیگری به آزادی، برابری، کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی اهمیت می‌دهند، نگاه امام رضا(ع) به انسان، یک الگوی فکری نو و مترقی است. برخلاف تصور رایج که دین را با محدودیت و اجبار پیوند می‌زند، اندیشه رضوی، دینی گفت‌وگو‌محور، عقل‌گرا و در عین حال سراسر کرامت‌مدار را پیشنهاد می‌دهد؛ نگاهی که حتی امروز هم می‌تواند، الهام‌بخش جنبش‌های حقوق بشری باشد. امام رضا(ع) در دوره‌ای زندگی می‌کردند که جامعه اسلامی دچار اختلافات فکری شدید، تکفیرهای گسترده و حکومت‌های انحصارگر شده بود. در چنین فضای سنگینی، ایشان با نگاهی باز و زبان عقل و محبت به تعریف دوباره کرامت انسانی پرداختند. روایت معروف «حدیث سلسله‌الذهب» که ایشان در نیشابور بیان کردند، نه صرفاً یک حدیث کلامی بلکه بیانیه‌ای علیه فضای تنگ‌فکرانه زمانه بود: «هر که وارد دژ توحید شود از عذاب ایمن است». یعنی مرز ایمان، توحید است، نه گروه و نژاد و فرقه. در نهایت، نگاه امام رضا(ع) به دین، نگاه دعوت است نه اجبار. ایشان از قول پیامبر(ص) نقل می‌کنند که «اگر خدا می‌خواست، همه را مجبور به ایمان می‌کرد؛ اما ایمان اجباری، پاداش ندارد». این یعنی دین باید انتخاب شود، نه تحمیل. امام رضا(ع) برای نسل امروز فقط یک چهره تاریخی نیست؛ او الگویی زنده از عقلانیت، اخلاق، آزادی و عدالت‌خواهی است. اگر دنبال دینی هستی که به انسان بودن تو احترام بگذارد و از تو نخواهد کور‌کورانه پیذیری باید با اندیشه‌های رضوی آشنا شوی.

